

ع

لر لار شور دا

سال هفتم - شماره چهل و چهارم - تیرماه ۱۳۷۷ - ماهاب اقتصادی، اجتماعی، علمی - ۶۴ صفحه - ۲۰۰۰ اریال

● به کجا چنین شناخت / سرفراز

● بس گذاری خدمت به راست افرادی / بداداشت ● «و صفت ایکونه نعمت مادر» : استیصال و زیده - حمله به مطبوعات سعید مدنی - امیر بهرامی ● نقد طرح انطلاقة پرسکی / دکتر دارسا ● حامی بروزی (گلابیتالیسم) : مشخصه قدرت سیاسی در ایران / کاظم علمداری ● تجربه سقوط سوهادتو / هدی صابر ● شریعتی و نقادی سنت ● مدل دین نژوهی سلطنتی در کشورتات



پیش ویژه : روابط ایران و امریکا (۲)

سیاست خارجی برای مشروعت داخلی - شرایط مذاکره - روابط منطقی برای حضورین القلی و ...

بیو احمدزاده، دکتر منقی، تقی رحمانی، دکتر قیاری، دکتر سندی

به نام آنکه جان را فکرت آمودت
سال هفتم - شماره چهل و چهارم
تیر ماه ۱۳۷۷
نشریه اقتصادی - اجتماعی - علمی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول
عزت‌الله سحابی
زیر نظر شورای سردبیری
سردبیر: رضا علیجانی

ایران‌فردا

نشان مجله ایران‌فردا بر (وی شبکه اینترنت):
<http://www.apadana.com/nashr/iranfarda/>
iran farda @ apadana.com

۲	● سرمهاله	
	به کجا چینی شتابان؟	
۶	● یادداشت	
	بمب‌گذاری! خدمت به راست افراطی	
۶	● داخلی	
۷	استیضاح وزیر کشور (در مسیر "وضعیت اینگونه نمی‌ماند") سعید مدی	
۸	تشدید حملات به آزادی مطبوعات امیر تهرانی	
۱۰	حامی پروری؛ مشخصه قدرت سیاسی در ایران کاظم علمداری	
۱۴	● آن سوی خبر	
۲۰	● یاد شریعتی و نقادی سنت هم سرشتی "هنر، عرفان، مذهب" (مدل دین پژوهی شریعتی در کویریات) امیر برسنی	
۲۴	● روابط ایران و امریکا پخش ویژه (۱)	
۲۸	انقلابی نمایی تلاشی مأیوسانه برای کسب مشروعیت پویا احمدزاده	
۳۰	سیاست خارجی و چالش مشروعیت داخلی دکتر ابراهیم متغیری	
۳۱	لزوم غباررویی از واژگان (مذاکره، رابطه، معامله، سازش) تقی رحمانی	
۳۴	"شرایط" مذاکره و رابطه با امریکا دکتر نظام الدین فهاری	
۳۶	افزایش فرصت برای حضور بین‌المللی دکتر علی رشیدی	
۳۸	● اجتماعی حق حیات در تعارض با قانون (نقدی بر طرح انطباق)	
۴۰	نمایش ایرانی در میدان جهانی (فوتبال ۹۸) علی صاحبی	
۴۲	● اقتصاد اوپک در بنده دلار رضا مهدوی	
۴۴	زنگی جهنمی (گذری در اکبرآباد) سرویس اقتصادی کلارش	
۴۶	سوهارتو: پدر نسل کش، پدر توسعه، پدر مخلوع هدی صابر	
۴۸	● ادب شعر (طه حجازی، شمس لکرودی، افسانه یغمایی، حمید جواهری و...)	
۵۰	● تاریخ توجیهات و تناقضات (نقد خاطرات آقای فلسفی) محمد ترکمان	
۵۵	● صدیگل (مسعود خوشابی، خلیل‌الله مقدم، ناهید توسلی و...) مقالات افراد لزوماً دیدگاه مجله نیست.	
۶۰	● نامه‌ها	

- لطفاً مطالب ارسالی را بروزی یک طرف کاغذ و حتی با فاصله و خط خوانا پنویسید.
- مقالات ارسالی پس فرستاده نمی‌شود.
- ایران‌فردا در ویرایش، خلاصه کردن و چاپ نکات برگزیده از مقالات آزاد است.
- مقالات افراد لزوماً دیدگاه مجله نیست.



۲ بزرگداشت عاشورا

مراسم بزرگداشت تاسوعا و عاشورا طبق سنت سالیان گذشته در منزل آقای مهندس صباغیان برگزار گردید. در این دو روز آقایان سعید غفارزاده، دکتر ابراهیم یزدی، محمد بستندگار، مهندس عبدالعلی بازرگان درباره ابعاد مختلف قیام عاشورا سخنرانی نمودند.

۳ بزرگداشت معلم عرفان - برابری - آزادی

به مناسب بیست و یکمین سالگشت خاموشی معلم عرفان - برابری - آزادی دکتر علی شریعتی جلسات مختلف در نقاط گوناگون کشور برگزار شد. اخبار این جلسات را تا آنچه که دریافت کرده ایم، به طور خلاصه در زیر می‌آوریم:

• **تهران:** مراسم بزرگداشتی در حسینیه ارشاد برگزار شد. در این مراسم آقای عبدالعلی بازرگان تحت عنوان سرشناسی پیشازان سخنرانی کرد. سپس میزگردی درباره شریعتی و نقادی داشت با حضور آقایان دکتر پیمان، دکتر شفیعی نژاد، یوسفی اشکوری و تقی رحمانی برگزار گردید. از یک ساعت قبل از شروع مراسم عده‌ای از علاقه‌مندان در مقابل درهای حسینیه تجمع کرده بودند. استقبال مردم از این مراسم بیش از ظرفیت تالار حسینیه ارشاد بود.

• از سوی دفتر پژوهش‌های فرهنگی دکتر علی شریعتی نیز مراسمی طی دو روز دز تالار جنب کتابخانه حسینیه ارشاد برگزار شد. در روز اول میزگردی با شرکت آقایان مسعود پدرام، مراد تقی و محمدمجود کاشی در مورد شریعتی و نقادی سنت برگزار گردید و در پایان به سوالات حاضران پاسخ داده شد.

در روز دوم آقایان علی طهماسبی (عرفان سیاسی) و رضا علیجانی (نقدادان شریعتی و نقدهایشان) سخنرانی کرده و به سوالات پاسخ دادند. در این دو روز در بین برنامه‌ها عده‌ای از نوجوانان علاقه‌مند قطعاتی از سخنان شریعتی و همچنین اشعاری را قرائت نمودند.

• در مراسم بزرگداشتی که در منزل دکتر پیمان بریا شد، آقایان دکتر مجید شریف (شریعتی، آزادی و حکومت مذهبی) و دکتر حبیب‌الله پیمان (شریعتی و سوسیالیسم) سخنرانی نمودند.

• طی مراسمی که از سوی انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر برگزار شد

جمعی از دانشجویان مستقل ملی - مذهبی برگزار گردید آقای رضا علیجانی (تجربه تاریخی نوگرایی دینی) سخنرانی کرد. در پایان جلسه پرسش و پاسخ صورت گرفت.

• **گرگان:** در مراسمی که از سوی انجمن اسلامی دانشکده منابع طبیعی گرگان برپا شد آقای یوسفی اشکوری (شریعتی و نقادی قدرت) سخن گفت.

• **آزادشهر (استان گلستان):** در مراسم بزرگداشتی که در مسجد جامع آزادشهر برگزار شد آقای حسین کبیر (مبانی احیای فکر دینی در آثار دکتر شریعتی) سخنرانی نمود و در پایان به سوالات حاضران پاسخ داد.

• **قزوین:** در مراسمی که از سوی جمعی از جوانان و روشنفکران ملی - مذهبی برگزار گردید خانم فاطمه کوارابی (استبداد و استعمارستیزی شریعتی) و آقای تقی رحمانی (روح پرتوان شریعتی) سخن گفتند. این مراسم با اجرای موسیقی همراه بود.

• **کاشان:** در انجمن اسلامی دانشگاه علوم پزشکی کاشان، آقای یوسفی اشکوری، تحت عنوان الگوهای تربیتی اسلام در اندیشه دکتر شریعتی سخنرانی کردند.

• **بنجورده:** در مراسمی که با حضور جمعی از از دوستداران شریعتی برگزار گردید آقایان دکتر مسعودی (حالات و ویژگیهای عرفانی شریعتی)، دکتر ریحانی (از جاودانگی شریعتی) سخنرانی کردند. در این مراسم نیز چند تن از شعرای جوان سرودهای خود را قرائت نمودند.

• **اوراک:** در مراسمی که از سوی انجمن اسلامی دانشگاه اراک به یاد دکتر شریعتی و دکتر چمران برپا شد آقای یوسفی اشکوری (شریعتی و نقادی قدرت) سخنرانی نمود.

• **دورود لرستان:** در مراسمی که به مناسب اربعین حسینی و سالگرد شهادت دکتر شریعتی از سوی جمعی از نوگرایان دینی در یک جلسه خصوصی برگزار گردید، پس از قرائت مقاله‌ای توسط آقای اکبر مشایخی میزگردی تحت عنوان "شریعتی و پلورالیسم دینی" با حضور آقایان مراد همتی و خداداد خادم برپا گردید و در پایان به سوالات حاضران پاسخ داده شد.

• **سمنان:** در مراسمی که از سوی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی سمنان برگزار گردید آقای یوسفی اشکوری (نقش و رسالت شریعتی)

انجمن اسلامی دانشگاه شیراز تحت عنوان شریعتی و مقوله روش‌فکری برگزار گردید. در این سمینار آقایان دکتر غنی نژاد، شمس‌الاعظین، احمد نراقی، جواد کاشی و یوسفی اشکوری سخن گفتند.

• **تبیریز:** سمینار دو روزه‌ای از سوی انجمن اسلامی دانشگاه تبریز تحت عنوان "دکتر شریعتی و اندیشه دینی" برپا شد. سخنرانان این سمینار عبارت بودند از آقایان یوسفی اشکوری، فرشاد مؤمنی، داود سلیمانی، هاشم آغاجری و حسین رزمجو.

• **اهواز:** از سوی شورای برگزاری مناسبهای ملی - مذهبی مراسمی برگزار گردید که در آن آقایان یوسفی اشکوری (شریعتی و نیازهای زمانه) و تقی رحمانی (نوگرایی دینی، راه فرهنگی) سخنرانی نمودند.

• **اصفهان:** در مراسمی که از سوی جمعی از روشنفکران ملی - مذهبی در مسجد اعظم اصفهان جهت بزرگداشت یاد دکتر شریعتی برپا شد آقای یوسفی اشکوری (شریعتی و نقادی فرهنگی) سخن گفت.

• **از طرف انجمن اسلامی دانشکده فیزیک:** دانشگاه اصفهان نیز مراسمی به صورت تربیتون آزاد در مورد دکتر شریعتی برگزار شد که طی آن عده‌ای از دانشجویان در مورد زندگی و آراء دکتر علی شریعتی سخن گفتند.

• **تبریز:** دانشگاه اصفهان نیز مراسمی به صورت تربیتون آزاد از سوی شریعتی و نوادرنشی دینی) سخن گفت.

• **در مراスマی که از سوی انجمن اسلامی دانشگاه خواجه‌نصیر برگزار شد**

• **مشهد:** در یک جلسه خصوصی که با حضور جمعی از شاگردان و علاقه‌مندان دکتر شریعتی انجام شد، آقای طاهر احمدزاده درباره دردمندی و زمان آگاهی شریعتی سخن گفت.

• **در مراسمی که از سوی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه فردوسی و علوم پزشکی مشهد برگزار گردید، آقایان عبدالکریم شریعتی (خلق و خوی شریعتی)، دکتر علی صاحبی (میراث شریعتی)، حمیدرضا جلایی‌پور (شریعتی و انقلاب اسلامی)، یوسفی (شریعتی و مقصود) سخنرانی نمودند. این مراسم با استقبال بسیار شدید دانشجویان یوسفی اشکوری (تحلیل از زندگی دکتر شریعتی و ویژه‌نامه‌های انجمن اجتماعات آن دانشگاه) که با دکورهای زیبایی به همین مناسبت مزین شده بود) بر پا شد. در این مراسم آقایان یوسفی اشکوری (تحلیل از زندگی دکتر شریعتی)، فرشاد مؤمنی و مقصود فراستخواه سخنرانی نمودند.**

• **شاہرود:** در مراسمی که از سوی

آقایان یوسفی (شریعتی و روحانیت) و مهندس عبدالعلی بازرگان و خسرو منصوریان (خطاطاتی از شریعتی) سخنرانی نمودند.

• در مراسمی که در دانشگاه الزهرا توسط انجمن اسلامی تحت عنوان "درباره اندیشه‌های سیاسی دکتر علی شریعتی و آیت‌الله مطهری برگزار گردید، دکتر یوسفی اشکوری و دکتر منوچهري درباره اندیشه‌های سیاسی آیت‌الله مطهری سخن گفتند.

• در مراسمی که طی دو روزه از سوی انجمن اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی انجام شد، آقایان تقی رحمانی (شریعتی و نقد سنت) و رضا علیجانی (نوگرایی دینی، راه نادرست یا راه ناتمام؟) و انصاری راد (شخصیت و آثار دکتر علی شریعتی) سخنرانی نمودند.

• در مراسمی بزرگداشتی که از طرف انجمن اسلامی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران به مناسب هجرت دکتر شریعتی برپا شد آقای یوسفی اشکوری (شریعتی و تقی رحمانی برگزار گردید. از یک ساعت قبل از شروع مراسم عده‌ای از علاقه‌مندان در مقابل درهای حسینیه تجمع کرده بودند. استقبال مردم از این مراسم بیش از ظرفیت تالار حسینیه ارشاد بود.

• از سوی دفتر پژوهش‌های فرهنگی دکتر علی شریعتی نیز مراسمی طی دو روز دز تالار جنب کتابخانه حسینیه ارشاد برگزار شد. در روز اول میزگردی با مفهوم روشنفکری سخنرانی نمود.

• **مشهد:** در یک جلسه خصوصی که با حضور جمعی از شاگردان و علاقه‌مندان دکتر شریعتی انجام شد، آقای طاهر احمدزاده درباره دردمندی و زمان آگاهی شریعتی سخن گفت.

• **در مراسمی که از سوی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه فردوسی و علوم پزشکی مشهد برگزار گردید، آقایان عبدالکریم شریعتی (خلق و خوی شریعتی)، دکتر علی صاحبی (میراث شریعتی)، حمیدرضا جلایی‌پور (شریعتی و انقلاب اسلامی)، یوسفی (شریعتی و مقصود) سخنرانی نمودند. این مراسم با استقبال بسیار شدید دانشجویان یوسفی اشکوری (تحلیل از زندگی دکتر شریعتی و ویژه‌نامه‌های انجمن اجتماعات آن دانشگاه) که با دکورهای زیبایی به همین مناسبت مزین شده بود) بر پا شد. در این مراسم آقایان یوسفی اشکوری (تحلیل از زندگی دکتر شریعتی)، فرشاد مؤمنی و مقصود فراستخواه سخنرانی نمودند.**

• **در مراسمی بزرگداشتی که در منزل دکتر پیمان برپا شد، آقایان دکتر مجید شریف (شریعتی، آزادی و حکومت مذهبی) و دکتر حبیب‌الله پیمان (شریعتی و سوسیالیسم) سخنرانی نمودند.**

• **طی مراسمی که از سوی انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر برگزار شد**

درباره بودجه این گردهمایی و مسئولان سازماندهی و تحلیل و خط دهی آن خبری منتشر نشده است.

۷- ستن روزنامه جامعه - برگزاری وزیر

بسیاری از انجمنهای اسلامی حکم لغو امتیاز روزنامه جامعه را محکوم کردند و آن را قدمی برای بستن فضا و مقابله با دولت آقای خاتمی دانستند. انجمن اسلامی دانشگاه علم و صنعت نیز از انجمن صنفی مطبوعات خواست نسبت به احقاق حقوق صنفی و سیاسی نشریات اقدام نماید. این انجمن طی اطلاعیه دیگری استیضاح وزیر کشور را استیضاح خواست و اراده ملت دانست و هدف جناح انصار طلب را تحت فشار قرار دادن بازی اجرای انتخابات آتی خبرگان به نفع خود عنوان نموده است.

۸- به هوا فرستادن ایران فردا!

در آستانه انتشار شماره ۴۳ ایران فردا فرد ناشناسی طی یک تلفن تهدید کرد که در چند روز آینده "مجله به هوا خواهد رفت" وی از این سوی خط پاسخ نشید که "خوب، برودا!"

۹- انتظار مردم از آقای خاتمی
اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویی طی اطلاعیه‌ای تحت عنوان "استیضاح وزیر کشور یا مخالفت با برنامه‌های دولت قانونی؟" به تحلیل این واقعه پرداخت. در قسمتی از این اطلاعیه آمده است جناح انصار و خشونت از یک سو گروههای فشار را برای حمله به تجمعهای قانونی پرورش می‌دهد و از سوی فریاد برمن اورد که عامل تشنج و نامنی وزارت کشور است. این شگرد تبلیغی انسان را به یاد شگرد معاویه می‌اندازد که علی را باعث کشته شدن عمار معرفی می‌کرد. این اتحادیه در بیانیه دیگری پس از برگزاری آقای نوری اعلام نمود مردم از آقای خاتمی انتظار دارند در مقابل جناح انصار و خشونت کوتاه نیاید و وزیری انتخاب کند تا بتواند برنامه‌های توسعه سیاسی را دنبال نماید.

۱۰- میلیارد دلار غرامت جنگی

آقای محسن رضایی فرمانده سابق سپاه پاسداران در یک گفتگوی اختصاصی با یکی از نشریات شهرستانی (حدیث قزوین - ش ۲۵۷)

نمی‌گردد از کجا آمده است. و در شلمچه ضمن تأیید و تأکید بر سخنان آقای صفوی می‌نویسند "ما منتظریم تا محرم گردد" و در شماره دیگر می‌نویسند "اصفهان آمده جهاد".

یکی از روحانیان در اصفهان پس از آزادی بیش از هفتاد نفر از گروههای فشار که دستگیر و با اعمال فشارهایی به سرعت آزاد شدند، در یک سخنرانی برای آنان، به شدت از ایشان تحلیل می‌کند و اظهار می‌دارد ما تابع این هستیم که اگر خواستیم حرکتی فیزیکی کنیم، باید اجازه بگیریم، اجازه که گرفته شد از هیچ چیز نمی‌ترسیم، من خودم را می‌گویم، وجود هیچ ارزشی ندارد...

دلسرد نشود، خدای متعال امتحان

می‌کند، شما بد وظیفه‌تان عمل کردید، بحمدالله که از رویه خوبی پرخوردارید. این تجربه خوبی بود. در عین حال گوش به زنگ حضور در صحنه باشید. همچنین زادسر نماینده جیرفت در مصاحبه‌ای می‌گوید ما دلسوزتهای، جبهه‌ای‌های زجر کشیده آماده‌ایم تا با یک اشاره رهبر طومار کسانی را که ارزشها را کمرنگ می‌کنند، در هم پیچیم (الشارات ش ۴۷). و یا لثارات‌الحسین ارگان انصار حزب‌الله (ش ۴۷) می‌نویسد نفس گرم و الهی رهبر حامی ماست. فرزندان عاشورا، کربلایی بزرگ و پیروز را به انتظار نشسته‌اند. آن روز که زمان واقعه در رسد، عشق ولایت حزب‌الله است که حرف آخر را خواهد زد. باید پای در رکاب رهبر و گوش به فرمان او بود، شاید که روز حادثه نزدیک باشد. باید به انتظار توسط بسیجیان سرکوب شوند، سخن گفت.

آقای محمدی گلپایگانی رئیس دفتر رهبری اطهار داشت قلم به دستانی که انقلاب و ارزش‌های اسلامی را نادیده گرفته‌اند، بدانند تجربه صدراسلام تکرار نمی‌شود. آنها بی که به خواب خرگوشی رفته‌اند بسیار شوند و اخیر اشاره نموده است. از جمله موضع بدانند اگر معظم له با گوشش چشم اشاره کنند، روزگار مخالفان انقلاب سیاه خواهد شد و مردم تا لحظه مرگ پشت انصار حزب‌الله بیش از ۱۳۰ نفر به نماینده از تجمعات حزب‌الله از ۳۳ شهر در تهران (سالن شهید قدریان) گردیدم آمدند تا با یکدیگر آشناشده و مواضع مشترکی اتخاذ نمایند. یکی از اهداف این گردهمایی اعلام اطاعت محض از فرمانی و دستورات مقام عظمی ولایت و یکی دیگر حمایت همه‌جانبه از حرکتهای اصولی حزب‌الله در سراسر کشور اعلام گردیده بود.

سؤال می‌نمایم که آیا این استنباطها صحیح است و آیا به راستی طرح یا طرحهایی تهاجمی و شبہ کودتاًی تدریجی و خزنده در شرف وقوع است؟ وی در ادامه ضمن اشاره به راه مسالمت و پرهیز از خشونت که دستاورده انتخابات دوم خداد به عنوان یک پدیده الهی بود، فضای خشونت و نفی مسالمت را به زیان همه مردم و ملک و ملت معرفی کرده و از آقای خاتمی خواسته است مسائل اخیر را به صورت جدی در شورای امنیت کشور و شورای تشخیص مصلحت مطرح نماید و گفته است آیا مسئله‌ای امنیتی تر از دخالت نظامیان در فرهنگ و سیاست کشور برای طرح در شورا وجود دارد؟ و در پایان به آقای خاتمی پیشنهاد شده که با حفظ شیوه متبین خود مسائل اساسی و تاریخساز را به گونه‌ای با ملت در میان نهد.

۱۱- تهدیداتی شبہ کودتاًی:
وضع اینگونه فمی‌ماند و روز حادثه
بازار تهدیدات سیاسی مبنی بر "وضع اینگونه نمی‌ماند" بسیار داغ شده است. رئیس مجلس مدتدی پیش اطهار داشت نیروی سومی دارد دانشگاه را می‌بود و نیروهای امنیتی باید به حرف خارجی‌ها توجه نکنند و گروه درست مارهای نامردی که نشریه و گروه درست می‌کنند، اما تامدی مهلت دارند تا بعداً می‌کنند، اما تامدی مهلت دارند تا بعداً توسط بسیجیان سرکوب شوند، سخن گفت.

نهادن ایزدیمیز یکی از مقامات نظامی، صراحت و بی پردازی نیروی انتظامی در حفاظت و حمایت از تهاجمات نیروهای فشار، راهی‌مایه‌ها و سخنرانی‌های فتنه‌برانگیز در تهران و قم و اصفهان، استیضاح وزیر کشور، جنجال بر سر "شکل" ابراز احساسات جوانان در دوم خداد و... که همه این حرکات در این جهت است که: "هیچ چیز عوض نشده است!". وی در ادامه افزوده است به نظر می‌رسد حتی طرح یک تهاجم شبه کودتاًی ریخته می‌شود و پرسیده است چون نسبت به آن سوی پرده اخبار و سیاستها وقف کامل ندارم با شما طرح سخنرانی نمود.

۱۲- ایذه: در یک محفل خصوصی آقای تقی رحمانی درباره روشنفکران مذهبی و جامعه مدنی سخن گفت.
گفتنی است طبق برخی اخبار دریافتی برای مراجعت در برخی از شهرها (مسجد سليمان، لاھیجان و...) با مخالفت مقامات شهری موافق شده و لذا برگزار نگردیده است. همچنین جلسات دیگری در برخی از شهرها برگزار شده که به علت عدم دریافت اخبار دقیق آن جلسات از انعکاس آنها خودداری نموده‌ایم.

۱۳- محکومیت بمب‌گذاریها

پس از بمب‌گذاریهای اخیر که مسئولیت آن را یکی از گروههای نظامی برانداز بر عهده گرفت، نهضت آزادی، جنبش مسلمانان مبارز، مهندس عزت‌الله سحابی و عده زیادی از نیروهای مستقل و افراد ملی - مذهبی در داخل و خارج از کشور به محکوم کردن این اعمال پرداختند. نقطه مشترک تمامی محکوم‌کنندگان این بود که این اعمال در روند تدریجی تکوین دموکراسی در کشور اخلال ایجاد می‌کند و به جناحهای راست و افراطی برای سرکوب و از بین بردن فضای نیمه‌باز کنونی کشور بهانه می‌دهد.

۱۴- تهاجم شبه کودتاًی

مهندس عزت‌الله سحابی طی نامه‌ای خطاب به آقای خاتمی به برخی خطرهایی که اوضاع و شرایط جاری کشور را تهدید می‌کند، پرداخته است. وی با اشاره به انتخابات تاریخی ریاست جمهوری و سیاستهای بعدی شکست خورده‌گان در انتخابات، به برخی واقعیت‌های نگران‌کننده یکی دو ماهه اخیر اشاره نموده است. از جمله موضع تهدید‌آمیز یکی از مقامات نظامی، کنند، روزگار مخالفان انقلاب سیاه در روزهای اول ماه محرم به دشت انصار حزب‌الله بیش از ۱۳۰ نفر به نماینده از تجمعات حزب‌الله از ۳۳ شهر در تهران (سالن شهید قدریان) گردیدم آمدند تا با یکدیگر آشناشده و مواضع مشترکی اتخاذ نمایند. یکی از اهداف این گردهمایی اعلام اطاعت محض از فرمانی و دستورات مقام عظمی ولایت و یکی دیگر حمایت همه‌جانبه از حرکتهای اصولی حزب‌الله در قم شعار درباره مجوز "خون ریختن" می‌دهند. در پارک لاله "گاز" در سراسر کشور اعلام گردیده بود.

شریعتی و نقادی سنت

رضا علیجانی

مفهوم سنت

در جامعه ما از اواسط یا اواخر دوران قاجاریه و بویژه پس از شکست در جنگ با روسها (که روحانیان نیز فتوای جهاد داده بودند)، روندی نو آغاز شد. وجدان جامعه با جریحه دار شدن از شکست خویش، پی به عقب ماندگی خود برده بود. از این پس راهها و شیوه‌های گوناگونی برای پیشرفت جامعه و نو شدن آن و رهایی از عقب ماندگی مطرح گردید. آشنایی تدریجی با جوامع پیشرفته‌تر غربی و شناخت کم و زیاد افکار مطرح شده در آن سرزمینها نیز بر شتاب این روند افزود.

یکی از نخستین شیوه‌های مطرح برای رهایی از عقب ماندگی، رشد "فن آوری" و "آموختن" یا وارد کردن آن از دیگر جوامع بود. "دارالفنون" (و به تعبیر امروز پلی تکنیک) که بیشتر به دنبال فن و تکنیک، نه اندیشه و معارف غربی بود، از نخستین طایلهای این تلاش است. طرح "قانون" نمود دیگری از این روند بود. به تدریج راههای کلان تری برای "نوسازی" جامعه ایرانی مطرح گردید و بویژه در پنجاه ساله اخیر هر یک از آنها باعث تکوین ادبیات و فرهنگ خاص خویش و نیز حرکتها و جنبش‌های اجتماعی گردیدند.

سه راه مهم برای نوسازی جامعه ما عبارت اند از: لائیک، چپ و نوادیشی دینی.^۲ یک نکته مشترک در بین هر سه رویکرد یادشده مواجهه آنان با "سنت" می‌باشد. هر نوع نوخواهی مستلزم تغییر "وضعیت موجود" و نظام مستقر است و این خود مستلزم چالش با "سنت" می‌باشد. و مهتمرین بخش از سنت جامعه ما فرهنگ آن و اصلیت‌ترین بخش فرهنگ را نیز دین تاریخی مردمان تشکیل داده است. هر چند این دین نیز در طول تاریخ از دیگر عوامل فکری و دینی قبل از خود، آداب و سنت جامعه، مناسبات اخلاقی آن و ویژگی‌های قومی و جغرافیایی... در این سرزمین سخت متأثر شده است. اما این همه اینک در این نهاد خود نمایانده است.

هر یک از سه رویکرد مزبور برخورد خاصی با سنت داشته‌اند. جریان لائیک بیشتر سنت را دور زده است.^۳ جریان چپ با آن مقابله کرده است. و جریان نوگرایی دینی به نقد درونی سنت اما از موضوع نو پرداخته است. جریان سوم سنت را بازخوانی کرده، اما در این روند دست به نقد و انتقادهای تند و گاه بی‌رحمانه از آن زده است.

مبانی فکری و غایات اجتماعی در نقد "سنت"

نقد سنت از سوی جریانات گوناگون در ایران روندی تدریجی، رو به رشد و تعمیق داشته است اما امروزه با مراجعته به ادبیات باقیمانده از آنها می‌توان مبانی و غایات هر یک را استخراج و استنباط نمود. بین مبانی فکری و غایات یا اهداف اجتماعی نیز رابطه‌ای متقابل وجود دارد.^۴ اگر جریانی بر اساس شاخص و مبانی که بیشتر اقتصادی است به نقد سنت پردازد معمولاً در اهداف و غایات اجتماعی خود نیز بیشتر از مانهایی اقتصادی دارد. اگر گرایشی با نگرش و شاخص "اصالت فرد" به نقد سنت پردازد در امتداد و نهایت دیدگاه منطقی و اجتماعی خویش نیز دغدغه حقوق فرد را خواهد داشت و...

تحلیل مبانی فکری و غایات اجتماعی و همچنین روشهای عملی سه گرایش یاد شده مسئله‌ای مهم است که باید به طور مستقل به آن پرداخت چرا که خود مطلب مفصلی است.

در گرایش سوم، نوادیشی دینی، افراد و نیروهایی در سطوح مختلف قرار دارند. از سیدجمال و اقبال گرفته تا بازرگان و طالقانی و حنیف‌زاد. شریعتی نیز از مهتمرین چهره‌ها و شاخصهای این جریان است که به مناسبت سالگردش در ادامه مقاله بیشتر به او می‌پردازیم.

شریعتی نقاد سنت یا حامی سنت؟

اینک نوگرایی دینی به طور عام و دکتر علی شریعتی به طور خاص متهم‌اند

تغییر دیالکتیکی سنت

تغییر "سنت" همانند هر "تغییر" اجتماعی دیگر، ناشی از تأثیر متقابل و دیالکتیکی عوامل فکری و ذهنی و عوامل عینی و اجتماعی و ساختاری (مشتمل بر عوامل اقتصادی، سیاسی و ...) است. اما در هر "تغییر" ممکن است یک عامل نقش مهمتر یا شروع‌کننده‌تری ایفا نماید. مثلاً تغییر اشکال تولید اقتصادی از زراعی به صنعتی و رشد شهرنشینی بیامدهای خاص خود را خواهد داشت. در زندگی زراعی که فرد با طبیعت غیرقابل پیش‌بینی سروکار دارد، تغییر ناگهانی دمای هوا یا بارش ناگهانی باران و تگرگ می‌تواند زحمات و محصول یک کشاورز را برای یک سال تحت الشاعع قرار دهد. در این نوع زندگی مناسبات فرهنگی و فکری متناسب با به اصطلاح "قضايا و قدر" زمینه پذیرش بیشتری دارد تا در یک زندگی شهری و اداری و کارخانه‌ای که کارگر و کارمند با "کارت‌زن" وارد یا خارج می‌شوند و همه چیز ظاهرآ محسوبه بیزیر است. همچنین در زندگی‌ای که مبالغه اطلاعات با تلفن و نمابر و رایانه است مناسبات فکری و فرهنگی متفاوت است با زندگی‌ای که در آن از طریق پیک یا جارچیان و خبررسانان مراکز دولتی و حکومتی اطلاعات در اختیار مردم قرار می‌گیرد. در جامعه و در نوع زندگی‌ای که دختر و زن کمترین خروج از خانه را دارند و نقش مهمی در اقتصاد خانواده ندارند با زندگی‌ای که آنان برای تحصیل، خرید، گردش، اشتغال... از منزل خارج می‌شوند و زیر سقف یک اداره با چند مرد همکارند و در مخارج خانواده نیز سهیم‌اند، باید قواعد و مناسبات متفاوتی برای برخورد زن و مرد وجود داشته باشد. تغییر ساختارهای مختلف عینی جامعه (که بنابراین به دلایل گوناگون به وجود می‌آید)، خود زمینه‌ساز و شروع‌کننده تکوین فرهنگ و آداب و رسوم... و حتی دین‌شناسی جدید و خلاصه تغییر سنتهای گذشته می‌باشد. و به همین ترتیب برخی تغییرات فرهنگی نیز می‌تواند شروع‌کننده و عامل مؤثری برای تغییر ساختارها و مناسبات عینی و اجتماعی جامعه باشد. رشد سواد می‌تواند توقعات جامعه را برای مشارکت در تصمیم‌گیری سیاسی بالا ببرد و قدرت مطلقه را مشروط نماید. آگاهی زنان بر حقوقشان می‌تواند شتابی سریعتر از رشد ساختارهای اجتماعی برای تکوین یک فرهنگ و مناسبات جدید داشته باشد. ورود فکر و آرمان از دیگر سرزمینها می‌تواند افکهای ذهنی و آرزوها و خواستهای اجتماعی را بسیار فراتر از واقعیات، و حتی نیازهای یک جامعه، پیش ببرد و خود عامل مؤثری در شکل‌گیری فکر و فرهنگ و حرکتها و جنبش‌های اجتماعی باشد.

عامل برای حل "دیالکتیک منجمد" عقب‌ماندگی تاریخی.
- تکیه بر روش‌فکر ملی - مذهبی و زحمتکشان و آزاداندیشان و اعلام صریح نامیدی تاریخی از اصلاح‌گری متولیان رسمی سنت.
- تأکید بر خروج انحصار تفسیر دینی از دست متولیان رسمی سنت.
- پراکسیسی بودن تفکر، یعنی تفکر نه صرفاً فکری - آکادمیک است و نه صرفاً پراتیک و عمل‌گرای تأکید بر نظریات معطوف به عمل و تغییر فردی و اجتماعی.
- طرح جهتگیری طبقاتی ادیان توحیدی، مذهب علیه مذهب، زر و زور و تزویر، پیوستگی یا همبستگی متولیان رسمی دین با "قدرت" در تاریخ و در نهایت دین منهای متولی رسمی^۷.
...

گفتنی است دو سه سال پس از انقلاب آن بخش از آثار شریعتی که حاوی نقدهای فکری - اجتماعی او بر سنت و متولیانش می‌باشد، تاکنون ممنوع‌الچاپ بوده است.

در عرصه اجتماعی نیز نواندیشان دینی به طور عام و بویشه دکتر علی شریعتی به طور خاص نقش تاریخی مهمی در نقد سنت و ایجاد شکاف در آن و ریزش روزافزون افراد و نیروها از درون آن داشته‌اند. اما امروزه این نواندیشان و به خصوص دکتر شریعتی منتهی به بیدار کردن سنت دینی ریشه‌دار تاریخی ایران و کشاندن آن به صحنه اجتماعی و ماجراهای و پیامدهای بعدی آن می‌باشد.⁸
اما نگاه این منتقادان نگاهی نزدیک‌بینانه و احساسی است تا تاریخی، عقلی و اقمعگرایی. ما در کل خاورمیانه و جهان اسلام، در چند دهه اخیر، شاهد نوعی مذهبگرایی (با ماهیت بنیادگرایانه در برخی گرایشها و ماهیت نوگرایانه در گرایشها) دیگر - که البته گرایش نخست پرشمارتر می‌باشد) هستیم. در جامعه ایران نیز همین روند رو به گسترش بود. ما بعد از کودتای ۲۸ مرداد شاهد رشد تدریجی اما شتابناک روند مذهبی شدن در جامعه ایران هستیم. نهضت مقاومت ملی مذهبی تراز نهضت ملی است. و دهه ۴۰ و ۵۰ بسیار مذهبی تراز دهه پیشین خود می‌باشد. شریعتی هم در این روند نقش افرینی کرد اما خود نیز برآمده از همین روند بود نه پدید آورنده آن. با این روند باید برخوردی علمی و جامعه شناختی کرد نه احساسی، سیاست‌زده و نزدیک‌بینانه.

داعیه نگارنده این است که اگر فرضًا نوگرایی دینی را از دهه‌های ۴۰ به بعد ایران تاکنون حذف کنیم و تصور کنیم چنین جویانی حضور نمی‌داشت، جامعه ما شاهد رشد یک بنیادگرایی از نوع الجزایر می‌شد. یعنی جامعه به سمت دوقطبی شدن شدید بین سنت‌گرایان از یک سو و قدرت مستقر که داعیه نو و شبه مدرنیستی داشت از سوی دیگر می‌رفت. و اگر بر اساس برخی تحولات خارجی و بین‌المللی (مانند روند حقوق بشر کارتی) تحولاتی نیز در داخل شکل می‌گرفت در ابتداء نیروهای میانه (همانند شاپور بختیار) سرکار می‌آمدند اما به علت بسته بودن سنت‌گرایان در برابر تحولات تدریجی اجتماعی و خط سرخهای شریعت محورانه آنان و نیز به علت خشونت‌آمیز شدن فضای جامعه (که ناشی از سرکوب و استبداد شدید بود) پس از مدت کوتاهی درگیری بین شبه مدرنیسم حاکم و سنت‌گرایان تشید و به اصلیت‌ترین چالش جامعه تبدیل می‌شد. در این صورت نیروهای مستقل لایک و چپ نیز یا باید بی‌طرف می‌مانند و سکوت پیشه می‌کردند یا عملاً در کنار قدرت مستقر که طبیعاً از ارش از نیز به کمک فراخوانده بود قرار می‌گرفتند. سرنوشت این چالش یا به پیروزی بنیادگرایان منتهی می‌شد یا به یک فرایند طولانی از خشونت و سرکوب از دو طرف - که اجزاء و عرصه‌های مختلف جامعه را در بر می‌گرفت - ختم می‌گردید. چیزی شبیه تجربه الجزایر. بنابراین، به عکس آنچه اینک

که جاده‌صفاکن "سنت" (و مشخصاً دین سنتی که جوهره سنت ما می‌باشد) بوده و ما را به استبداد دینی، جزمیت و خشکسری، شکل‌گرایی مذهبی، از بین رفتن حقوق شهروندی، اجبار در رفتار اجتماعی و خصوصی، یکسان‌سازی در افکار و شیوه زندگی و... سوق داده‌اند.

درونمایه انتقاد این منتقادان دارای دو وجه می‌باشد: یکی وجه فکری و فرهنگی و دیگری وجه اجتماعی و سیاسی - که باید به طور جداگانه‌ای مورد تحلیل قرار گیرد.

در عرصه فکری نواندیشی دینی در ایران یکی از سه رویکرد اصلی نوسازی جامعه ایرانی بوده است که همواره به نقد سنت پرداخته است. شریعتی در این کار مؤثرترین نقش را داشته است. مبانی و غایبات نقد سنت در اندیشه او بسیار روش و محکم است و حوزه بسیار وسیعی را در بر می‌گیرد.

برخی از مبانی فکری و غایبات اجتماعی نقد سنت را در آرای شریعتی می‌توان به اختصار چنین برشمرد:

- ترویج عقلانیت در برابر تقليد و جزمیت و سوال از "چرا بایی" به جای سوال از "چگونگی" (که همواره در سنت به آن پرداخته می‌شود).

- ترویج و تأکید بر نگرش تجریبی قرآنی در برابر نگاه ذهنی و ایده‌آلیستی در تفکر سنتی و طرح این نکته که کل معارف موسوم به معارف اسلامی (فلسفه، کلام، فقه و...) در تاریخ فرهنگ مسلمانان به لحاظ روش شناختی و متلوزیک معرفت‌شناسی دچار انحراف بنیادی شده است.

- تکیه بر روش دیالکتیک (در حوزه‌های گوناگون شناخت، تاریخ، جامعه و...) در برابر شیوه‌های تک‌عاملی یا شیوه‌های یک‌سویه‌منگر.

- طرح علم و زمان (اندیشه مستقل - تجربه و آزمون و خطاب) در کنار قرآن و سنت به عنوان منبع دین‌شناسی و نقد بنیادی منبع شناسی سنتی.

- طرح انسان‌گرایی و اؤمنیسم توحیدی به عنوان یک نگاه بنیادی (اما بیشتر با نگاه جمعی تا فردگرا به اؤمنیسم).^۵

- طرح "اندیوپیداؤلیسم ماوراء سوسیالیسم" یا هدف بودن رشد "فرد" اما در راستای رهاسازی جامعه و آماده شدن بستر جمعی برای رشد همگان.

- نگاه به انسان به عنوان موجودی در حال شدن که اساساً با "ازادی" تعریف می‌شود.

- طرح مذهب ماوراء علم در برابر مذهب مادون علم و تأکید بر عرفان و تجربه باطنی بر فراز خردگرایی ناب.

- طرح غایت و آرمان تاریخی و اجتماعی "عرفان - برابری - آزادی" به عنوان هدف نهایی و یک شاخص دقیق برای ارزیابی هر فکر و هر حرکت. و نقد سنت، نقد قدرت و نقد مدرنیته از همین منظر.⁶

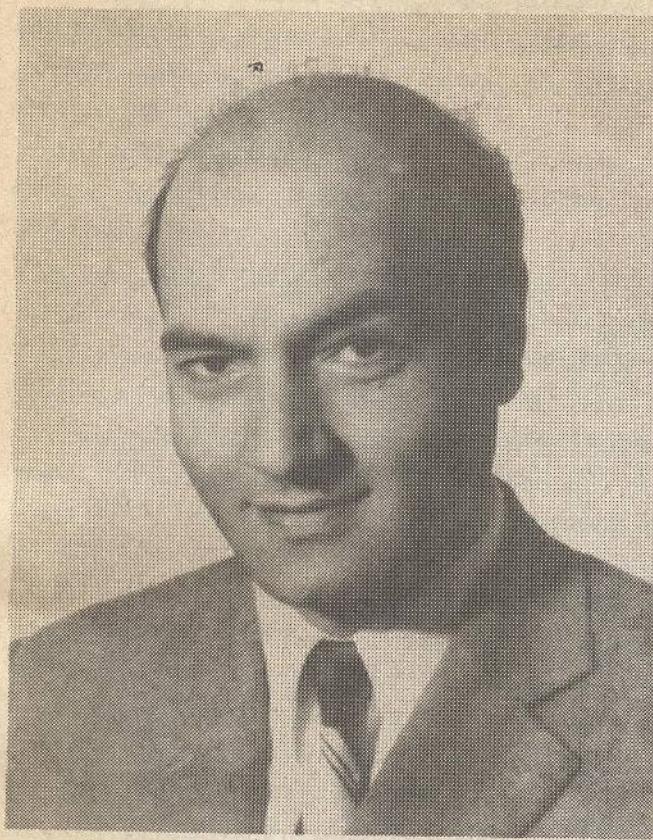
- تأکید بر هویت ملی - مذهبی. تاریخ ملی در ساختن "شخصیت" ایرانی و مذهب در ساختن "عقاید" آن نقش بسزایی دارند. و شرقی و ایرانی و مسلمان داشتن خود.

طرح انترناسیونالیسم بعد از ناسیونالیسم. (ابتدا آزادی ملی و استقلال و رشد فرهنگی و اقتصادی ملی و سپس رابطه برابر و عادلانه انترناسیونالیستی بین دول و جوامع گوناگون).

- تأکید بر "اصل" بودن اقتصاد و تحلیل این مسئله که تا مشکل "نان" انبوه مردم جامعه حل نشود هیچ روند برگشت‌ناپذیری شکل نخواهد گرفت. اما تعريف کاملتر زندگی به "نان، آزادی، فرهنگ، ایمان و دوست‌داشتن".

- طرح مقوله ییناسیون و از خودبیگانگی انسان و جهتگیری نهایی برای حل این معضل بنیادی.

- تأکید بر نویزابی فرهنگی و رنسانس فکری به عنوان نخستین و کاملترین



برخی در نقد نوآندیشان دینی در ایران مطرح می‌کنند، این نحله در عملکرد کلان تاریخی خود، به ویژه در تاریخ چند دهه اخیر جامعه‌ما، نقش ایجاد شکاف در متن سنت و ریزش نیروهای آن به نفع دنیا نو (چه باگرایش آزادیخواهانه چه عدالت‌جویانه، البته با درونمایه عقلانی) داشته است. سنت شیر خفته‌ای در برابر کاروان رشد و ترقی جامعه ایرانی بوده است که بنچار یا بیدار می‌شده یا بیدارش می‌باید کرد. و اگر در صدر مشروطیت تفکر شیخ فضل الله نوری پیروز می‌شد و سنت به تمامی به روی صحنه می‌آمد جامعه ما به لحاظ تاریخی یک مرحله پیش می‌افتاد و بهایی که نسل امروز برای تصفیه و پالایش و حذف و اصلاح سنت می‌پردازد نسل آن روز می‌پرداخت! ترقی جامعه ایرانی نه با دور زدن سنت - که پس از مدتی خود به صحنه می‌آمد و روندها را بازگشت بدیر می‌کرد - و نه با مقابله با آن که شکستی از پیش محظوم را رقم می‌زد، بلکه با عبور از درون آن و نقد و بازسازی و تصفیه آن و تکوین یک روند و یک سنت جدید میسر بوده و هست.

بر اساس این نگرش کلان و تاریخی، نوآندیشی دینی در تاریخ متاخر ما نه تنها مستحق سرزنش و انتقاد نیست، بلکه بزرگترین افتخار را در راه نوسازی "ممکن" و "موفق" جامعه ایرانی داشته است. نوسازی‌ای که نه در کتاب و مقاله و احزاب کم‌شمار بلکه در گستره عظیم جامعه بدان جامعه عمل پوشانده است. اگر از "حقانیت" و "درستی" نظریات فکری و دینی (مبتنی بر احساس مذهبی و نیاز به معنا در هستی و جاودانگی در انسان و نه متکی بر شکل‌گرایی شریعت‌مدارانه) بگذریم و آن را "درست‌ترین" راه ندانیم، باز به گواهی تاریخ، این نحله اثربارترین و "موفقترین" راه بوده است. و این دستاوردها مدیون نقد سنت (و نقد قدرت) در حرکت خویش است. به همین دلیل شریعتی بزرگترین نقاد سنت در ایران لقب خواهد گرفت.

در استمرار همین "رویه" و همین نوع "نگاه" است که امروزه خداد دوم خرداد و پدیده "خاتمی" (ونه الزاماً شخص وی) مورد توجه همگان قرار می‌گیرد. این پدیده یادآور هنر تاریخی نوآندیشان دینی است: نوآندیشان ملی - مذهبی به نقد سنت از درون، نقدی بی‌رحمانه و اساسی با رویکردی نوکرده‌اند. و به علت ستیخت و زبان مشترک با جامعه مورد "اعتماد" قرار گرفته‌اند.

اینک پدیده "خاتمی" نیز از درون به نقد سنت سیاسی در نظام مستقر می‌پردازد. ما در مقایسه اولین رئیس جمهور و آخرين رئیس جمهور فعلی جامعه (جدا از ارزشگذاری بر افکار و عملکرد هر یک) به تفاوت این دو نقش پی می‌پریم. اگر در تجربه اولین رئیس جمهور و کلاً در سالهای نخستین انقلاب، سنت می‌توانست جامعه را دوقطبی کند و بخش اعظمی از سنت‌گرایان را در پشت خود بکشاند، اینک داستان به آن سادگی نیست. دقت در نقش انجمنهای اسلامی در صفات آرایی در این دو زمان نشانگر تفاوت دوره‌هast است. همان گونه که مخالفت روحانیان با حق رأی زنان در سال ۴۲ و پذیرش بی‌دغدغه آن در سال ۵۷، و هر دو به نام اسلام، نیز نشانگر تفاوت دوره‌ها بود.

اما تعجب است که چرا بسیاری از روشنفکران لایک و چپ که به رخداد دوم خرداد و "پدیده خاتمی" مثبت و امیدوارانه می‌نگرند و دلایلی برای آن بر می‌شمارند، همین دلایل اجتماعی را در مقیاس کلان‌تر تاریخی به کار نمی‌گیرند. یعنی چرا همین نقش آفرینی مثبت - ولو وقت و کاتالیزوری! - را که برای خاتمی قائل می‌شوند برای کل روند نوآندیشی دینی در ایران قائل نیستند. این تناقضی است که نوآندیشان مذهبی بسیار علاقه‌مند به شنیدن و خواندن راه حل آن توسط نحله‌های نوگرای غیرمذهبی هستند.

"پدیده شریعتی"

پدیده شریعتی از یک سو ناشی از روندها و برخاسته از ساختارهای جامعه

ما در دهه‌های ۳۰ تا ۵۰ و از سویی ناشی از نبوغ و داغ و درد درونی این معلم شوریده حال و مردم دوست و وطن پرست بوده است.

شریعتی که از یک خانواده مذهبی برخاسته بود، سنت را در تربیت کودکی و نوجوانی اش به خوبی لمس و تجربه کرد. در جوانی در حرکت و مکتب نهضت ملی رشد یافت و تربیت شد و در میانسالی که با دوران پس از کودتای ۲۸ مرداد و بی‌سرانجامی مقاومتها را پس از آن و سرکوب ۱۵ خرداد هم عصر بود، با ادبیات عدالت‌خواهانه سوسيالیستی آشنا گردید. هنر بزرگ شریعتی تسلیم نشدن به گفتمان غالب زمانه بود، کاری که بسیاری از هم‌عصرانش کردند. او نه تسلیم رادیکالیسم مسلحانه شد و نه خودباخته در برابر مارکسیسم و سوسيالیسم. او ضمن آنکه به طور طبیعی و در پاسخگویی به گفتمان غالب زمانه از آن رنگ می‌پذیرفت، تسلیم آن نمی‌شد و با طرح نظریه جاودانه‌اش "عرفان - برابری - آزادی" طرحی نو در انداخت. او بر نیاز به معنویت و نیایش در دوره‌ای که ماتریالیسم مهاجمی در حوزه‌های روشنفسکری وجود داشت، تأکید کرد و بر عنصر آزادی در دوره‌ای پای فشرد که آزادی امری روبنایی و بورژوازی تقی می‌شد. و بر جهتگیری طبقاتی دینی در زمانه‌ای تأکید نمود که در طول تاریخی کهن و جاافتاده مناسبات فئوالی و سرمایه‌داری تجاری در کتب کلاسیک سنتی به نام "مطری" می‌دانست، و در دوره‌ای بر هنر و موسیقی تأکید کرد که سنت آنها را می‌دانست. در هنر و موسیقی می‌دانست، و در دوره‌ای بر اجتماعی شدن "زنان" اصرار ورزید که سنت آن را گناهی نابخشودنی قلمداد می‌نمود و رأی دادن زنان را با فحشا برابر می‌دانست. و در هنگامی از نقش آفرینی مثبت و مترقی متولیان سنت قطع امید کرد که دیگران یا به این مسئله نمی‌اندیشیدند یا امید یاوری و همکاری از سنت‌گرایان داشتند.^{۱۰} (و حتی پس از انقلاب نیز به اعلام حمایت و امیدواری به ویژه پس از اشغال سفارت آمریکا، پرداختند).

گفتنی است شریعتی اساساً با هر حرکت کوتاه مدت مخالف بود و اعتقاد

- طور مستقل به آن پرداخت.
۵. در هر دوگزاره "هر انسانی آزاد است" و "همه انسانها آزادند" یا "هر انسانی دارای حق حیات است" و "همه انسانها دارای حق حیات‌اند" و امثال آن نگاه مشترک اومانیستی وجود دارد. اما در گزاره‌های اول نگرش فردگرایانه حاکم است و در انتهای به لیرالیسم می‌رسد و در نگرش دوم نگرش فراگیر وجود دارد و در نهایت به سوسیال دموکراسی می‌رسد.
۶. نقد مدرنیته از دیدگاه اسلام بحث مستقلی می‌طلبد.
۷. تز اسلام منهای روحانیت شریعتی هم از سوی موافقان و هم از سوی مخالفانش گاه مورد بدفهمی قرار گرفته است. وی در این تز تفسیر انحصاری و متولی‌گری رسمی دینی را نفی کرده است و اسلام را منهای روحانیت خواسته نه جامعه را بدون روحانیت. وی نهاد روحانیت را به عنوان یک نهاد تاریخی در جامعه نفی نمی‌کرد و تلاش بی‌ثمری نیز برای حذف روحانیت نمی‌نمود. بلکه او تنها خواستار آزادی تفسیر و عدم انحصار و خروج اسلام از تفسیرهای رسمی متولیان دینی بود.
۸. به طور نمونه می‌توانید به آثار آقای جواد طباطبائی مراجعه نمایید.
۹. به عنوان یک "نمونه" می‌توان به مقوله زن و رهایی او دقت نمود. نحله‌های گوناگون دستاوردهای مختلفی در این باره داشته‌اند (در این باره می‌توانید به مقاله نهضت بیداری زنان - ایران فردا - مراجعه کنید). نمونه زنان را می‌توان به دیگر عرصه‌های جامعه و به سرنوشت کلان آن نیز تعیین داد.
۱۰. شاید نیاز به توضیح نداشته باشد که در اینجا منظور صفات‌آرایی روشنگر و روحانی نیست. در برای نوآندیشان دینی سنت‌گرایان قرار می‌گیرند. حال ممکن است در صفات نوآندیشان برخی روحانیان مانند طلاقانی جای گیرند یا در صفات مقابل نیز برخی افراد غیرروحانی.
۱۱. ر.ک به مقاله "رابطه روشنگر با جامعه" در کتاب انسان در اسلام.
۱۲. همچنین می‌توانید به کتاب "شریعتی در جهان" (ترجمه از حمید احمدی)، مقاله "حیات و اندیشه‌های دکتر علی شریعتی از دکتر عبیدی (استاد دانشگاه جواهر لعل نهرو هند)، ص ۶۳ مراجعه کنید.
۱۳. به مجموعه آثار ممنوع‌الجانب (۲۲ (مذهب علیه مذهب) مقاله توینی و مذهب مراجعه کنید.

پوایی دکتر شریعتی

قرآن‌کو
آغوش که من گشایی،
هزار پرندۀ عاشق،
بر دستان نوازشگرت بوسه می‌زنند
بوی پیرواهن تورا
سفیران گمنام با خود
به آن سوی دریا می‌پرند
شاید پرندۀ‌ای زخمی
در تیز پرچین ان دورها
توانه تورا
زمزمه می‌کند.

قلم - سیف‌الله یزدانی

داشت "در راه حل‌های اجتماعی نباید به کوتاه‌ترین راه اندیشید بلکه باید به درست‌ترین راه فکر کرد." من ترجیح می‌دهم دو نسل کار بکنند و بعد به نتیجه بررسند اما اگر در عرض ده سال به نتیجه برسیم باز برمی‌گردیم به صد سال عقب‌تر. همیشه یک تجربه عجیب در تمام آفریقا و آسیا شده، کسانی که به سرعت به نتیجه رسیده‌اند، بعد، امیازات قبل از انقلاب‌شان را هم از دست داده‌اند. من همه انقلابات زودرس را نفی می‌کنم.^{۱۱} او هر انقلابی را قبل از خودآگاهی فاجعه می‌دانست. البته جای این بحث نیست که بگوییم چرا شریعتی هیچ گاه خواهان حکومت مذهبی نبود^{۱۲} و آن را مادر استبداد می‌دانست.^{۱۳} و یا بگوییم که در انقلاب ایران در چه بخش‌هایی شریعتی نقش آفرینی داشت و در چه بخش‌هایی جوانان انقلاب از منابع دیگری (همچون رهبر انقلاب یا مجاهدین...) الهام‌گرفته‌اند. چرا که این بحث خود موضوع مهمی است که بحث مستقلی می‌طلبد.

اما در مجموع در چهارچوب متفکران و نیروهای ملی - مذهبی، شریعتی بزرگترین نقاد سنت بود. وی به نقد سنت در عرصه‌های منبع - روش - بینش و نقد محتوایی آن در هستی‌شناسی، جهان‌بینی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه تاریخ، احکام و ارزشها دست زد. در عرصه اجتماعی بر روش‌فکران و رحمتکشان تکیه کرد و از متولیان سنت برای هر حرکت مثبت و مسترقی اجتماعی قطع امید نمود.

بر اساس همین مبادی و مبانی بود که سنت‌گرایان چندین کتاب شریعتی را که حاوی نظریات صریحی در این مسائل است، سال‌هاست که ممنوع‌الجانب کردند. برای سیدجمال و حتی دکتر اقبال لاھوری سالگرد و کنگره‌گرفته، اما سعی در به فراموشی سپردن شریعتی نمودند. و جز تحلیلهایی به نفع خود و همراه با تبصره‌ای توضیح همیشگی "البته اشتباها تی هم داشت" کاری نکردند. تندروهای آنها به سواکی و سیاکی بودن! شریعتی حکم دادند و اندیشه‌های او را استعماری خوانند! اما برخلاف تصور آنان استقبال نسل جدید و تجدید چاپ آثارش - که برخی بیش از ۱۵ - ۱۰ بار چاپ شده‌اند - نیاز نسل امروز را به شریعتی و نگاه وی و منش و روش او بار دیگر با صدای بلند اعلام نمود.

اینک بر آشنایان با اندیشه اوست که با بازخوانی آراء و احوال وی، به ویژه در عرصه‌های نقد سنت و نقد قدرت و نقد مدرنیت، و اصلاح و تکمیل و تکامل آن به "رویه" او که هنر بزرگ نوآندیشان دینی است، ادامه دهنده، و با نقادی سنت و بازخوانی وجوده مثبت آن (همچون برخی خصایص و سنتهای مذهبی و ملی که شیرازه حفظ تمامیت ملی و هویت تاریخی و اجتماعی ایرانیان است مانند انسان دوستی که چون عضوی به درد اورد روزگار - دگر عضوها را نماند قرار، یا برخی اعیاد و مناسبه‌های ملی و مذهبی که استمرار هویت ماست...) و حذف و جایگزینی وجوده و ابعاد منفی آن، راه ورود جامعه ایرانی را به دنیای مدرن، آن هم مدرنیته‌ای شرقی و ایرانی و بومی، هموار سازند.

پی‌نوشت‌ها

۱. برخی از صاحبنظران این مسائل را زیرمجموعه‌های "فرهنگ" می‌دانند.
۲. در زیر مجموعه‌این گرایشها طیفهای گوناگونی جای می‌گیرند که شیوه‌ها و مشیهای گوناگونی دارند. از جمله رویکردهایی که هر کدام یکی از عوامل استبداد، استعمار (اپریالیسم)، استعمار، استحمار (فرهنگ) را عامل مؤثری در عقب‌ماندگی می‌شمارند، یا طیفهایی را در بر می‌گیرند که معتقد به شیوه‌های مبارزه قانونی، پارلمانی، مسلحانه، قانونی غیرمعمول به قدرت، صنفی و طبقاتی بوده‌اند.
۳. بجز برخی بازخوانهای بسیار ضعیف در صدر مشروطه که نه جدی تلقی شد و نه نفوذی یافت.
۴. بین "مبانی" و "غايات" با "روشها" و "مشیها" نیز رابطه‌ای متقابل وجود دارد که باید به

همسرشی "هنر، عرفان، مذهب"

امیر یوسفی

فکری او، جنس و سخن کویریات با جنس و سخن دو بخش دیگر آثار او متفاوت است.
ب (۲) شاید یکی از شاپترينین نگرشها در خصوص کویریات این نظریه باشد که آثار کویری شربته، فاقد هرگونه وجه شاختاری بوده و نعمت توان از آن، یک نظام معرفتی و یک فرآوردهٔ فکری جدی استنتاج و استخراج کرد. و جز دریغها و درودها و دردهای وی متضمن هیچ نکته دیگری نیست. در حالی که به جرأت می‌توان فتوای داد که در بن ساخت ظاهري هژمندانهٔ کویریات، جوهره و هویتی معرفتی و شاختاری نهفته است. در کویریات، می‌توان از رویکردی جدی به مسائل عمیق فکری سراغ گرفت. در این راستا شاید بتوان کویریات را از زمرة دستتوشنهای عارفان بزرگی دانست که به رغم قالب هنری و ادبی، مشتمل بر یک جهان‌بنی منطه، در بن ساختار ظاهري خود بوده‌اند.

ب (۳) اگر مفقطن بدین نکته باشیم که طرح هندسی مکتب و یا پیکرسازی یدئولوژیک دین - که اساساً مخصوص مدل دین پژوهی شریعتی در عرصه اسلامیات اجتماعی است - متنی و متكی بر سه رکن انسان شناسی، جامعه شناسی و فلسفه تاریخ است، همین سه رکن را با شرحی متفاوت، درکویریات می‌توان بازجست.

ب/۴) در کویریات، تیغ تیز زبان و زوبین زهردار قالم در خدمت سخنان نهانی و نهایی روح اوتست، التهاب و شیدایی سخنان شریعتی مؤید این گفته است که: همیشه این

قام، زبان عقلم بود و فکرم و مغزم، حالا زیان روحمن، قلبم.^۳
شريعتی، گویی در کویریات، بیشتر شريعتی است تا در جاهای دیگر. بافت
درونی و لایه بینایین شخصیت شريعتی، کویری است و او این لطیفه را بی هیچ
پرده بیوشی و اغماس آفتایی کرده است. گریز و گذار شريعتی به عالم سیاست، گریزی
از سر ضرورت بوده است و حال آنکه حضور او در عالم پژوهندۀ «حکمت»، حضوری
است طبیعی و فطری: «گرچه در سیاست همه زندگی اما را تا حال غرق کردم و تاخت و
تازهای بسیار کردم اما با جنس روح و ساختمان قلب من ناسازگار بود... من مرد
حکمت ام نه سیاست^۴. و نیز «من عمر را اگرچه با خرد زیستم اما فطرت تم در آتش
مذاب عشق سرنشته بود.^۵ و علم بکار من نمی آید، من دوستان حکمت ام؛
فلسوف.^۶

ج) (۱) این بند از نوشتار، حاوی مدعای اصلی سخن است. در اینجا مشخصاً دین پژوهی کویری را از دو منظر روشن و بینش به بحث می‌گیریم.

ج) (۲) مراد ما از روشن، سیک پژوهشی است که یک اندیشه‌مند، خواسته با ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه. هوشیارانه یا غافلانه و خوابگردانه بدان ملتزم می‌شود. اقبال و التفات به مقوله "روشن" و تأکید اکید بر مفهوم "روشمندی" از توابع و لوازم تفکر جدید و یادگاری از چرخشتهای مهمی است که در شاكله فکری - فلسفی بشر جدید حادث شده است.

شريعی در خلال آثار کویری خود، آنجا که از دین سخن به میان می‌آورد رویکرد و روشی به شدت عقلی - عرفانی پیشه می‌کند. در این رویکرد، سبک سخن و روش گفتار و نوشتار شرعیتی، سبک و سیاقی است که روش فلسفه‌دان و عارفان را تابع می‌کند. نگاه جامعه‌شناسانه و کارگردانی اینه در جین آثاری در محاذ فرو

الف(۱) نوگرایی دینی که به معنی اختصار مقارن با نهضت مشروطه^۱ تکوین یافته. به رغم عمر نه چندان دراز خود، اینک به آن چنان توانایی و خلاقیتی دست یافته است که می‌تواند به نقد گذشته خود بنشیند. عملکرد سابق خویش را به محک نهادن، کماید، یک زاندیش، دقیق، فتم و فتوح خود را باز شناسد.

عترت بخوبید و درین پردازشی می‌شوند. این نقادانه، یکی هم آن است که به فهم و شناخت (۲/۲) از فواید و برکات این رویکرد نقادانه، یکی هم آن است که به اضلاع و پاره‌های مغفول اندیشه نوگرایان عطف توجه می‌شود. ناگفته پیداست که یک اندیشه پس از تکوین، حیاتی مستقل از حیات اندیشمند می‌یابد و در معرض بازخوانیها و تأویلهای رنگارانگ واقع می‌شود. نقد و نگرش نقادانه می‌تواند از پس ایام و از ورای مقتضیات عصر، به کشف گوهر و جوهره اصلی یک اندیشه راه یابد و پاره‌های اصلی آن را از پاره‌های فرعی و تبعی آن باز شناسد.

بی تردید دکتر علی شریعتی را می بایست در زمرة مهمترین نوگرانیان دینی به شمار آورده وجود و حضور اور این حلقه، حضوری بسیار جدی، عمیق، موفق و با تأثیراتی دراز دامن همراه بوده است.

اما بنا به سنت رایج، اندیشه‌های او نیز دستخوشن بازخوانیها و برداشتهای متناسب با زمان گردید.

یکی از مهمترین وجوه اندیشه شریعتی، کویریات اوست که علی الاصول مهجور ماند. سامان فکری شریعتی که بنا به پسند خود او در سه عرصه اسلامیات، اجتماعیات و کویریات عرضه شده بود، در جویی گزینشی، محدود و مقید به یک بُعد گردید و تعادل خیره کننده ای که به برگت خلاقیت اصیل او در آموزه های سه گانه اش خزیده بود، به نفع ابعاد و وجوده ایدئولوژیک کمنگ شد و نهایتاً خود را به متابه لایه سخنچی او معرفی کرد. از این پس، کویریات شریعتی، مظلومه ای و مجموعه ای از دستنوشته های تنهایی او انگاشته شد که تنها به کار آن می آمد که دلمدرگشیها و سرخوردنگیها و یأسه ای هواداران و هواخواهانش را تسکین بخشند و نه بیش از این نوشته، همه بر سر آن است که جایگاه و پایگاه کویریات را در مجموعه اندیشه و منظمه شخصیت شریعتی جستجو کند. البته نگاه ما عمدتاً و اصولاً بر مضمون «مذا دین، نیوه، شریعت، در کویریات» متمرکز است.

موضع مبنی پرسنلی سریعی در این مکتبات شریعتی را به تبع آنچه او خود بیشتر می‌پسندید، در سه ب(۱) آثار و مکتبات شریعتی را به تبع آنچه او خود بیشتر می‌پسندید، در سه عرصه و عنوان می‌شناسند: "نوشن هایم بر سه گونه است: اجتماعیات، اسلامیات و کویریات. آنچه تها مردم می‌پسندند اجتماعیات و آنچه هم من و هم مردم؛ اسلامیات. و آنچه خودم را راضی می‌کند و احساس می‌کنم که با آن نه کار - و چه کویریات. ۴- ۵- ۶- نه نمی‌ستم. ۷- که نهندگ، مرکننه: کویریات".^۴

آنچه در کویریات است هم از حیت بافت ظاهری و زیانی و هم از جهت ساخت و ترکیب محتوایی با اسلامیات و اجتماعیات متغیر و بلکه متغیر است. گواینکه این پاره‌های علی‌الظاهر متغیر، در وجود شریعتی چنان هماهنگ و متناسب عرضه شده‌اند که نشان از تعادل شخصیت و اندیشه او دارد.

به هر روی این نوشته با التزام به این پیش فرض آغاز شده است که کویریات
شتر اثرا و متأثر باشد دسته دیگر آنها، اوست. و به رغم وجود ارجاعیک در نظام

شرایط ایجاب می‌کرد که اسلام به مسائل عینی اجتماعی پردازد و گرایش رئالیستی بیاند امروز تیازی که به شدت احساس می‌شود، تجدید فکری و فلسفی جهان‌بینی و انسان‌شناسی ایدئولوژی اسلام است که زیربنای آن در همه ابعاد و همه پایه‌های است [...] اساساً رشد ایدئولوژی ما به مرحله‌ای رسیده است که جهان‌بینی و انسان‌شناسی توحیدی می‌باشد به بیان فلسفی و تفسیر عرفانی جدیدی در سطح اندیشه و دانش عصر ما و انسان عصر ما را ایجاد کرده است و نسل روشنگر و معهدی که به این طرز فکر و فادر مانده است ضرورت آن را به شدت احساس می‌کند.^۸

به هر روی، همه شریعتی در تدوین و تنسيق یک رویکرد و رهایت و روش عقلی - فلسفی - عرفانی به دین، او را به سویی رهمنمود شد که نظرات دین پژوهی خود را در عرصه "بینش" نیز مناسب و متناسب با روش فوق الذکر بسط و نشر دهد. ج (۳/۲) مراد ما از بینش، سازمان کلانی است که در پس ذهن هر پژوهشگری کمین کرده است و سایه خود را برسر هر تحقیق و پژوهشی می‌افکند و آموزه‌ها و آراء نوبن را به صبغه خود رنگ‌آمیزی می‌کند و به طور کلی دستگاه سامان یافته‌ای است که مفاهیم، تعاریف و تعالیم را معنا و جهت می‌دهد. اینکه چنین دستگاهی چگونه پدید می‌آید، از کدام منابع تغذیه می‌کند، نحوه و میزان تأثیر آن بر دانسته‌های نوبن تاچه حد است و احتمال تغییر یا تعویض آنها چگونه است، سوالاتی اندک که علومی همچون معرفت‌شناسی و جامعه‌شناسی معرفت، متکفل پاسخ بدانهایند.

بدین قرار در چشم و دل شریعتی، ساختمنی از یک بینش مستقر شده بود و او بر مبنای این ساختمن، دین پژوهی خود را سامان و سازمان داده است. این بینش در عرصه کویریات، به شکل نظریه "همسرشتی عرفان، هنر، مذهب" رخ نموده است. البته شریعتی هیچ جا به این نکته مفصل‌ا و مستقل‌ا برداخته است که این نظریه را از کدام طریق کسب کرده است. در جایی این فرضیه را "فرضیه‌ای فلسفی"^۹ می‌نامد. در جایی دیگر آن را از تاریخ بیرون می‌کشد و پیوند اسلام و مانویت را "بزرگترین دلیل و شاهد ارجمند"^{۱۰} خطاب می‌کند، حتی در جایی هم این نظریه را نظریه‌ای دینی^{۱۱} می‌نامد. با اینهمه چنان که بیشتر اوردیم سیک و سیاق و روش شریعتی را به جرأت می‌توان روش پدیدار شناسانه ناید که طی آن، پدیدار شناس به گوهر و ذات هنر، عرفان و مذهب رجوع می‌کند و بی‌هیچ پیش فرضی، این سه را آن گونه که بر آدمی پدیدار می‌شوند لحاظ می‌کند و این، عین التزام به پدیدار شناسی است. اهمیت و ارج و اعتبار این نظریه در نظام دین پژوهی کویری شریعتی بسیار محوری و حیاتی است.

این نظریه اساساً از دل یک نوع انسان‌شناسی خاص زاده می‌شود و شریعتی متناسب با چنان انسان‌شناسی، چنین دین شناسی را پرورانده است. بر حسب آن انسان‌شناسی کویری، انسان موجودی است که "تنها دلیل بودنش عصیان است".^{۱۲} "سرشت واقعی انسان، واقع گریز است".^{۱۳} "انسان، حیوان منتظر است".^{۱۴} انسان عبارتست از یک تردید. هرکسی یک چه باشد که از تردید است، حقیقت راستین انسان جز این هیچ نیست. جز این تردید، اضطرابها، غمها، طغیانها و تلحی‌ها و تاریکی‌های بیرحم و سنتگینی که جان ما را به ستوه می‌آورد از اینجاست. از عمق فطرت ما، از مغز نهاد ما و بطن مجھول هستی ما سر می‌زنند.^{۱۵} در عین حال، تنهایی بشر که موجود اضطراب است، خود محصول خودآگاهی آدمی است و لذا خودآگاهی به رهایی و رهایی به جدایی و جدایی به تنهایی و تنهایی به حس غربت و بازگشت منتهی می‌شود. و النهایه تجدید اتصال و تحقق این بازگشت و وصال به معمود و رجعت به سوی خدا روح و آرزوی همه مذاهب عالم است. دین در این مدل، در واقع راهی است که با گام زدن بروی آن می‌توان به این تجدید وصال امیدوار شد. شریعتی با تحلیل و تجزیه واژه‌های (Religion) هم این نکته را تأیید می‌کند که به زعم ترکیب و ساخت ظاهری واژه دین نیز دلالت بر بازگشت و اتصال دارد.^{۱۶}

علاوه بر انسان‌شناسی، دین پژوهی کویری رکن دیگری هم دارد و آن فلسفه

می‌رود. حضور دین در اجتماع و مردم محظوظ شود و مقوله ربط دین با نهایی ترین ساحت وجود آدمی سر بر می‌آورد. نگاه جامعه شناسانه به دین عمدتاً در دین پژوهی اسلامیات - اجتماعیات به کار می‌رود. توجه به حضور دین در عینیت، نگاه به تاریخ دین، توجه به لایه‌های بیرونی و سطوح خارجی دین، کشف دواعی و موانع اقتدار دین، پیوند دین به متابه یک نهاد اجتماعی با مؤسسات و نهادهای حقوقی و مدنی، توجه به تأثیر دین در دینامیزم یا مکانیزم اجتماع و ... همگی از لوازم و تبعات روشهای جامعه شناسانه است. التزام به چنین روش، شریعتی را بدان سو سوق می‌داد که به آراء و نظرات جامعه شناسان غربی، نفیا یا ابانتاً توجه کند جامعه شناسانی همچون کنت، سن سیمون، دورکیم، وبر، مارکس، گوروبیچ و حتی متفکران مکتب فرانکفورت نظریه مارکوزه.

اما در کویریات، شریعتی از دین، چیز دیگری می‌جست و زاویه دید دیگری اختیار می‌کرد. گرایش عمدۀ غالب نسبت به دین در کویریات، گرایش غیرکارکردی و غیراجتماعی است. شاید بتوان روش شریعتی را در دین پژوهی کویری، روش پدیدار شناسانه نام نهاد. اگرچه او خود هیچ گاه به چنین روشی اذعان و اقرار نکرد، روش پدیدار شناسی اساساً روشی عقلی - فلسفی است و در آن، توجه به ساحت و صورت شهودی و تجربی دین به اوج خود می‌رسد. یک پدیدار شناس در پی آن است تا اسرار نهفته در جلوه‌های امر قدسی را دریابد، موقعیت وجودی خاصی را که دین عرضه می‌دارد کشف کند و جوهره فراتاریخی و فراجغرافیایی ادیان را آفتابی نماید. و لذا رهگذر چنین روشی، دین مؤول به یک تجربه نهانی و نهایی می‌گردد و ساختار خارجی و بیرونی دین نظری شاعر، مناسک، اعتقادات و احکام، همگی نهادها و نمودهایی از قدسیت مدرج در ذات دین دانسته می‌شوند. عرفانی بودن روش مذکور دقیقاً به همین معنی است: اینکه عنصر محوری و مرکزی دین، امری تجربی و احساسی وابسته به هستهٔ غیر شناختاری ایمان است. مضارفاً آنکه لازمه روش پدیدار شناسانه، مقابله با تبیینهای تحويل گرایانه است. در چنین روشی، حقانیت یک دین درگرو تحويل و تأویل آن به ساحت دیگر وجود آدمی نیست. دین اصلتاً حقانیت دارد و این حقانیت در پی ساخت تجربی و احساسی او نهفته است. دین، مطلوب است نه بدان خاطر که کارکرد عینی مطلوب در سامان بخشی به نهادها و ساختارهای اجتماعی دارد، بلکه مطلوبیت آن معلوم آن است که پاسخگوی نیاز تجربی و ایمان آدمی است.

نکته بسیار مهم آن است که شریعتی به لحاظ آنکه در کویریات، روش پدیدار شناسی را پیش گرفته بود ناخودآگاه به سمت یکی از مباحث بسیار مبنای امروزین متمایل و مطوف شد و آن مسئله، مسئله "حقانیت" است. او با پرداخت نظریه‌ای درخشنان تحت عنوان "همسرشتی هنر، عرفان، مذهب" (که شرح آن به تفصیل خواهد آمد). ناخودآگاه ولی کاملاً بجا به مقوله حقانیت توجه کرده است. و چنان که می‌دانیم اثبات حقانیت دین، بررسی این سؤال است که "دین، قدسیت و حقیقی بودن خود را - نه فقط مفید بودن خود را - از کدام ناحیه فراجنگ اورده است؟ دلیل - و نه علت - درستی دین چیست؟ دین، وابسته و اویخته و متكلی به چه متكلی است؟" اینها همگی سوالاتی است که پاسخ آن از کف باکفایت نظریه کویری شریعتی بر می‌آید، قوت و ضعف و استواری یا خلل این نظریه، بحثی ثانوی است.

ضرورت پرداخت فلسفی دین و تجهیز نمودن اندیشه به متدهای عقلی، امری است که شریعتی در بیان حیات خویش، صراحتاً بدان تفوّه نموده است، به یاد آوریم نامه شریعتی را به فرزند خود - که شاید آخرین نامه به جای مانده از او باشد. در آن نوشته، شریعتی تصريحًا و مؤکدًا "اسلام شناسی فلسفی"^۷ را به کار می‌برد، در همان نامه با روشن ترین عبارات اظهار می‌دارد: "برخلاف ۱۵ - ۲۰ سال پیش که

گریز، آن به جایی و این به هر جا که اینجا نیست. اما هنر، فلسفه ماندن است.^{۲۶} همچنین: "هنر، آرایش زندان بسبک خانه ایده‌آلی خویش، مذهب راه گریز به مادراء و عرفان، عشق به آن است.^{۲۷} و بالاخره: "مذهب راهی است بسوی او، عشق (عرفان) آرزوی او و شعر (هنر) گفتگوی او."

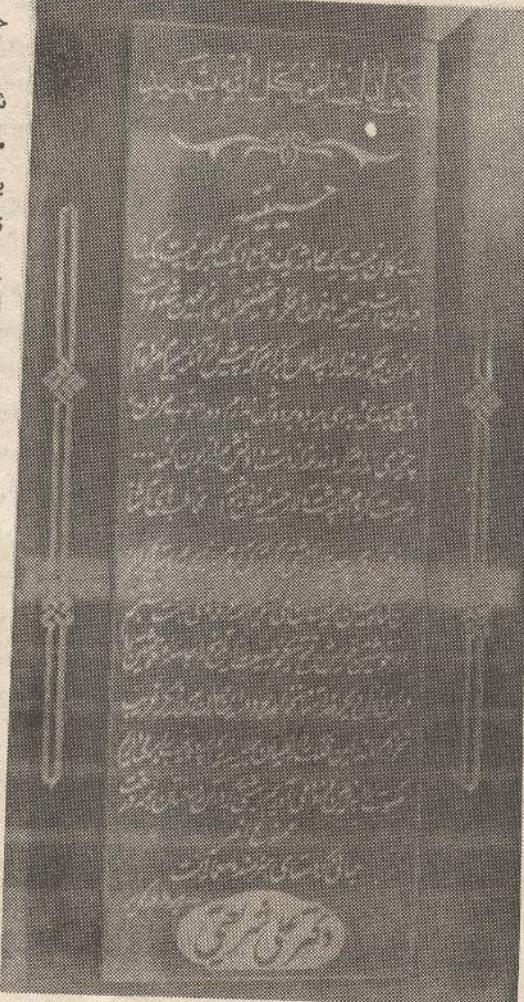
تأمل در این آموزه‌های بلند، ما را مطمئن می‌سازد که شریعتی در قالب دین پژوهی کویری خود به هیچ روی نگرشی تحولی و فروکارشی پیشه نکرده است. اصالت و حقانیت دین را نه به لحاظ کارکرد عینی و فواید عملی و اجتماعی آن، بلکه به دلیل ریشه دار بودن آن در نهاد نهانی ادمی می‌داند.

مدل اسلامیات - اجتماعیات، بیشتر می‌پسندید که خاستگاه دین را به مثابه یک نهاد اجتماعی تلقی کند که بستر تکوین آن، مناسبات و روابط انسانها و نیازها و اقتضایات ذاتی تأسیسات و نهادهای مدنی،

حقوقی و اجتماعی است.

این گونه است که دو مدل دین پژوهی شریعتی به لحاظ "بینش" نیز از یکدیگر منفک می‌شوند. بجاست که به برخی از نتایج و توابعی که برخاسته از این دوگانگی و دوگونگی است نظریتداریم:

ج ۱/۴) دین پژوهی در مدل اسلامیات - اجتماعیات که سویه غالباً آن، جهتگیری اجتماعی - انتقادی بود به تصریح خود شریعتی بر سر رکن عرفان، برابری و آزادی به مثابه اصول دین، مبتنی و استوار بود. "کاملترین انسان یا مکتب که می‌خواهد انسان را به فلاح ببرد، انسان و مکتبی است که این ابعاد اساسی را در خود داشته باشد. [...] به نظر من اسلام ارزشش در آن است که روی هر سه بعد هم‌hang با هم تکه می‌کند.^{۲۸} در مدل دین پژوهی کویری، این ارکان سه گانه در قراتی مقاوت، به سه عنوان "حقیقت، خیر، زیبایی" تغییر می‌یابد. شریعتی در جای جای آثار کویری خود، دلربودگی و سرسپاری و پایندی خود را به این سه مفهوم قدسی متذکر می‌شود. اساساً وجه آنکه شریعتی در کویریات، چهره‌های دینی و غیردینی را در کنار یکدیگر و همدرد و همزبان یکدیگر می‌شناساند همین است، چرا که "مذهب اینان اصولش سه تاست: حقیقت، خیر، زیبایی^{۲۹} و در دروح و طفیان جان علی و کامو و بودا و سارتر و بکت و از یک نوع است. اکنون بر فراز منارة



سنگ یادبود مزار در "قریت" شریعتی در حسینیه ارشاد

معبد خویش که از قلب تاریخ بشتری سر بر کشیده می‌شونم که کفر و دین، شرک و توحید، مادیت و معنویت، فلسفه و حکمت، عقل و اشراق، مذهب و هنر، روانشناسی و عرفان، همه این آیه را تفسیر می‌کنند.^{۳۰} از سوی دیگر شریعتی هدف از خلقت خود و نیز کار پس از هبوطش را پرداختن به این سه مقوله می‌داند: "حقیقت دین نشد و راه رفتمن، خیر حیاتم شد و کار ماندنم و زیبایی عشقمن شد و بهانه زیستم.^{۳۱} مقایسه میان این دو "سه گانه" مؤید مدعای اصلی سخن است که: تأکید عمده کویریات در دین پژوهی، جستجوی دین در جان انسان است و تأکید عمده اسلامیات - اجتماعیات، پی جویی دین در دل اجتماع و ساخت اینست. ج ۲/۴) شریعتی در شخصیت پردازی نیز به تناسب دو مدل فوق الذکر، به دو شکل

تاریخ کویری است. فلسفه تاریخ و قانونمندیهای حیات و آفرینش و تاریخ، در کویریات سیاقی مقاوت با فلسفه تاریخ اسلامیات - اجتماعیات دارد. اگر فلسفه تاریخ در اسلامیات - اجتماعیات از دل نزاع هابیل و قابل به مثابه نهادهایی از دو طبقه و ساخت اجتماعی - اقتصادی سربر می‌آورد،^{۱۷} فلسفه تاریخ کویری از رفای منازعه و در گیری خدا - شیطان - انسان به مثابه نهادهایی از مشوق، عاشق، و دوست،^{۱۸} جوانه می‌زند. بدین قرار، فلسفه تاریخ کویری، روند تاریخ را "عشق و آشنای" می‌داند. نقش مقصود خداوند از آفرینش هستی و خلقت انسان، عشق بود و آشنای.^{۱۹}

قصه خلقت که در نگاه کویری شریعتی، معنا و قرائت نوینی یافته است، صیرورت تاریخ را در جهت جستجوی برای یافتن پاره‌های گمگشته وجود طی می‌کند: "زنگی جستجوی نیمه هاست در پی نیمه‌ها.^{۲۰}

آن همه حلوات و حکمت را که شریعتی در قصه خلقت به روایت کویری آن گنجانده است به این عبارت خلاصه کنم که: فلسفه تاریخ و قانون هستی در کویریات، جستجوی یک آشنا، یک دوست، یک مهراوه و یک بثابریس است که نیمه گمگشته وجودی هر انسان است و انسانها هرچه عظیمترند این آشنا و دوست، قدسی تراست. اساساً این التهاب و شیدایی و شورمندی در جان انسانهای بزرگ، از یک جنس بوده است. درد روح و طفیان جان علی و کامو و بودا و سارتر و بکت از یک نوع است و اینها با هم خوشاوند همدرد هستند.^{۲۱}

نحوه و نوع پاسخگویی به این اضطراب و دغدغه، سه مفهوم عرفان، هنر و مذهب را متجانس ساخته است، که جوهره رسالت واحدی دارند ولی در عین حال هر یک از توان و توشه معینی برخوردارند. نیک هویداست که بر این اساس، حقانیت دین ناشی از همان عاملی است که به هنر و عرفان هم اصالت و حقانیت می‌بخشد: "هنر ما مذهب و عرفان همدرد است. هر نه، بیمار اضطراب و بیچاره دغدغه‌اند.^{۲۲}" نظریه خاص من که هنر و مذهب و عرفان زاده یک سرچشمه‌اند و آن سرچشمه، اضطراب و دغدغه و تنهایی انسان متعالی است که بر روی خاک، خود را تبعیدی می‌یابد و هوای وطن دارد. هنر نیز تجلی چنین اضطرابی است درست همچون مذهب.^{۲۳}

مطالعه تاریخ راههای مختلفی را که انسان برای پاسخ به اضطراب از عدم تجانش با طبیعت یافته است به ما نشان می‌دهد: همه آثار هنری، مذاهب، مکاتب عرفانی و ... برای تسکین چنین نیازی در عالم خلق شده‌اند.^{۲۴}

اما به رغم همسرشتی این سه مفهوم اهورایی که زاده همدردی و همزبانی آنهاست و جوهره ماهوی یکسانی به آنها می‌بخشد، هر یک وظیفه و عملکردی متناسب با بضاعت و استعداد خود دارند، "دین، دری است به طرف عالم دیگر که باید باشد و هنر، پنجه است".^{۲۵} و نیز "مذهب و عرفان راهشان با هنر جدا می‌شود که آن دو انسان را از غربت به وطن رهمنون می‌شوند، از واقعیت بازش می‌دارند تا به حقیقت نزدیکش سازند و مذهب و عرفان، هر دو بیقراری در این جایند و فلسفه

نکته تردید نمی‌توان داشت و آن اینکه شریعتی با مقوله تأویل و متده هرمنوتیک در دوران اقامت خود در فرانسه آشنا شده و بی‌آنکه از این متده سخن صریحی به میان آورد مدام به آن توجه می‌کرده و به کار می‌بسته است با این تفاوت که در کویریات کاربرد این امر افزونتر از جاهای دیگر است. خاصه آنکه شریعتی در چند موضع از متون کویری خود، نام دین پژوهان بزرگی را که جانبداران کاربرد هر منوتیک در پژوهی اسلامیات - اجتماعیات، پر بی‌ربط نیست.

ج ۴/۲) کویر، عرصه فراتر رفتن از شرایع و دیانت معهود و رسیدن به جوهره مشترک واحد ادیان و نحلهای عمیق باطنی است. کویریات، نقد دین و دینداری سنتی است و هدایت به سمت دین و دینداری اصیل. به همان میزان که شکل مذاهب انسانها را از هم دور کرده است روح مذاهب آنها را از درون به هم نزدیک و خویشاوند می‌سازد.^{۳۵} شریعتی جوهره دین را آیمان ماوراء علمی^{۳۶} می‌نامد و بر این اساس با تحويل دین به آیمان، یکی از مهمترین گامها و منزلگاهها را در رنسانس اسلامی و تحقق مدرنیسم شرقی بر می‌دارد.

فارغ ساختن دین و جوهره دینی از مقوله "اعتقاد" و رنگ آمیزی آن به مقوله "آیمان" از اضلاع و دستاوردهای درخشان و برکت آفرین کویریات است. این فراتر رفتن از مرزهای شرایع و نیل به جوهره واحد ادیان را چنین ترسیم نموده است: "من از همه مرزهای و همه دروازه‌ها به کشور روح و به شهر دل قدم گذاشتام: آشنا راستین و دنای راستین این شهر و دیار اسرارآمیز شده‌ام که هم رفیق یونگی و هم صحابی بودایم هم حواری عیسایم و هم صحابی محمدم و هم سوخته عرفانم و هم قطب تصوفم و هم عالم دینم و هم راهب چینم و هم دوستدار حکتم".^{۳۷}

(د) توجه به کویریات، اعلان جنگ با تفکر سیاسی - ایدئولوژیک شریعتی نیست.

شریعتی در مقوله اسلامیات - اجتماعیات و تفکر ایدئولوژیک دینی هم نشان داد که

از پرمایه‌ترین و نکته‌یاب‌ترین و تیزچنگ‌ترین اندیشمندان معاصر ماست. تمام سخن در آن است که به مُثهای "نوشته اما ناخوانده" اندیشه او هم توجه کنیم. بی‌تردید وجهه متغیر اندیشه شریعتی مالاً به یک وحدت و تأثیف موفق دست یافت. او خود به خوبی می‌توانست مرزبندی دقیقی میان آنچه که برای خود می‌نوشت و آنچه برای مردم عرضه می‌کرد انجام دهد. اما نکته اصلی آنچاست که شریعتی بخشی از همت خود را مصروف روپردازی‌های عقلی - عرفانی را روشن پدیدارشناختن نمود که البته روز ب روز بر غلظت آن می‌افزود و ضرورت و نیاز به آن را میرهن تراویشکارتر می‌یافت. و نگاه به فاسقه دین و رهایت‌های عقلی - عرفانی به دین نتیجه برکت خیز این تأملات بوده است و ما امروزه به متابه میرانداران و جیره‌خواران خوان پرنعمت اندیشه‌های خوشگوار شریعتی، سخت نیازمند و موظفی که به دعوت او نسبت به اسلام شناسی فلسفی و تعبیر سازی و تصویرگری معنوی و عرفانی از دین همت کنیم. و چنانچه بیدیریم فاز جدید نوگرایی دینی ماهیتاً عقلی - عرفانی است در آن صورت لازم خواهد آمد که به بازخوانی کویریات، متناسب با مقتضیات روزآمد نوادرنیشی دینی اهتمام ورزیم.

متفاوت عمل کرده است. عشق و ارادت و دلدادگی شریعتی به ابودر غفاری، جندان آفتایی و روشی است که مجال هیچ مقسمه‌ای در خصوص آن نیست. ابودر - به تعبیر اندیشمندی - برای شریعتی، "اسلام مجسم و مجسمه اسلام" ^{۳۸} بود و او در خلال آثار غیرکویری خود، از میان چهره‌های غیر معموم، ابودر را بیش از هر کس به گوهر دعوت محمد نزدیک می‌دید. گزینش چنین چهره عدالتخواهی در مدل دین پژوهی اسلامیات - اجتماعیات، پر بی‌ربط نیست.

به موازات شخصیت پردازی ابودر در اسلامیات - اجتماعیات، ما شاهد پردازش شخصیت دیگری در مدل کویریات هستیم. و این شخصیت، سلمان است: شورمند حقیقت طلبی که "صاحب سر پیام اور شد و محمد با او، خود را در آنبوه مهاجران و انصار، آن کوه سنگینی را که بر سینه‌اش آوار شده بود، سیکتر احساس می‌کرد چه، سلمان بخشی از آن را خود بر دوش جانش گرفت؛ هرگاه دردها بر جانش می‌ریخت سلمان را فرامی‌خواند، در چشم‌های آشنا اول ناله می‌کرد، در گفتگوی با او فریاد می‌زد و آسوده می‌شد.^{۳۹} سلمان، این مردی که "چهره‌اش به روش‌نایاب سپیده است" پیشانیش باز، سیماش غبار گرفته، چشمانش رنگ برگشته، خسته، کوفته، تشه، بیتاب ... پیداست که از سفری دور می‌اید، پیداست که سالها آواهه بوده است ... پیداست که از کویری سوخته می‌رسد.^{۴۰}

فهم دقیق جایگاه سلمان و موقعیت و منزلتش در چشم و دل شریعتی مستلزم آن است که دست‌کم، صفحات ۸۵ تا ۹۵ مجموعه آثار ۱۳ را هم‌لانه به مطالعه گیریم و از رهگذر مقایسه آن با جایگاه و موقعیت و منزلت ابودر در اسلامیات - اجتماعیات، به لایه درونی شخصیت شریعتی راه یابیم و نیک دریابیم که شریعتی در این دوگونه نبشن، کدام را بیشتر می‌پسندید و وجه آن چه بود.

شخصیت پردازی در کویریات، منحصر و محدود به سلمان نیست، "مسیح"، "عین القضاة"، "پرومته"، "بودا"، "محمد"، "علی" و "لو" - شاعر پر احساس چینی - همراهان و همنفسان همیشگی شریعتی در گذرگاه‌های کویری حاتند. در زیر این آسمان می‌بینیم که عین القضاة در سمت راستم و ابوالعلاء در سمت چشم ایستاده‌اند. ج ۳/۴) کاربرد "تأویل" در متون کویری به اوج می‌رسد. هرچه که در متون اسلامیات - اجتماعیات، شریعتی طالب وضوح و دقت و صراحت بیان بود در کویریات در پی رمز، نهاد، تأویل و باطن می‌گشت. تأویل در کویریات لزوماً و محصرًا محدود به پاره‌های نامقوبل دین نیست بلکه اساساً یک زاویه دید عام و شایع است که کرار آزار آن بهره می‌برد. این تصور که شریعتی در مقوله شریعت، تنها به پاره‌هایی که تأویل بردار بوده است و توانایی آن را داشته که تحلیل سمبیلیک را متتحمل شود، توجه نموده است، نظریه‌ای است به خودی خود تأمیل برانگیز. اما این تأویلگری در کویریات به سیاق عام شریعتی مبدل می‌شود و او در این متون، به تأویلهای بیانی و متنی دست می‌یازد. قصه خلقت، شرح بهشت، قصه تولد مسیح، توصیف انجیل به متابه یک کتاب آسمانی، شرح حیات مانی و خلاصه تأویل تمام جریان تاریخی، از نمونه‌ها و نمونه‌های شاخص این نگرش است. خلاصه آنکه، چه شریعتی را معتقد به هرمنوتیک کهن بدانیم و چه او را طرفدار هرمنوتیک مدن تلقی کنیم در یک

پی‌نوشت‌ها

۱. احیاء دین به معنای عام، جریانی است که در طول و عرض تاریخ دین حضور داشته است و همواره بزرگانی کوشیده‌اند تا به تهدی و پیرایش جوهره اصیل دین همت کنند. اما نوگرایی دینی، آن نوع از احیاگری است که علاوه بر اوصاف مزبور، در نزاع سنت و مدرنیسم هم وارد شده است و لذا نوگرایی دینی به

معنى اخص آن با ظهور مشروطه	۲۰. م. ۱۰. ص ۳۲	۲۱. م. ۱۰. ص ۳۲	۲۲. م. ۱۰. ص ۳۲	۲۳. م. ۱۰. ص ۲۲	۲۴. م. ۱۰. ص ۲۲	۲۵. م. ۱۰. ص ۲۲	۲۶. م. ۱۰. ص ۲۲	۲۷. م. ۱۰. ص ۲۲	۲۸. م. ۱۰. ص ۲۲	۲۹. م. ۱۰. ص ۲۲	۳۰. م. ۱۰. ص ۲۲	۳۱. م. ۱۰. ص ۲۲	۳۲. م. ۱۰. ص ۲۲	۳۳. م. ۱۰. ص ۲۲	۳۴. م. ۱۰. ص ۲۲
پا به عرصه وجود نهاد.	۱. م. ۱۱	۲. م. ۱۲	۳. م. ۱۲	۴. م. ۱۲	۵. م. ۱۲	۶. م. ۱۲	۷. م. ۱۲	۸. م. ۱۲	۹. م. ۱۲	۱۰. م. ۱۲	۱۱. م. ۱۲	۱۲. م. ۱۲	۱۳. م. ۱۲	۱۴. م. ۱۲	۱۵. م. ۱۲
۱. احیاء دین به معنای عام، جریانی است که در طول و عرض تاریخ دین حضور داشته است و همواره بزرگانی کوشیده‌اند تا به تهدی و پیرایش جوهره اصیل دینی، آن نوع از احیاگری است که علاوه بر اوصاف مزبور، در نزاع سنت و مدرنیسم هم وارد شده است و لذا نوگرایی دینی به	۱. م. ۱۳	۲. م. ۱۳	۳. م. ۱۳	۴. م. ۱۳	۵. م. ۱۳	۶. م. ۱۳	۷. م. ۱۳	۸. م. ۱۳	۹. م. ۱۳	۱۰. م. ۱۳	۱۱. م. ۱۳	۱۲. م. ۱۳	۱۳. م. ۱۳	۱۴. م. ۱۳	۱۵. م. ۱۳
۱. احیاء دین به معنای عام، جریانی است که در طول و عرض تاریخ دین حضور داشته است و همواره بزرگانی کوشیده‌اند تا به تهدی و پیرایش جوهره اصیل دینی، آن نوع از احیاگری است که علاوه بر اوصاف مزبور، در نزاع سنت و مدرنیسم هم وارد شده است و لذا نوگرایی دینی به	۱۰. م. ۱۴	۱۱. م. ۱۴	۱۲. م. ۱۴	۱۳. م. ۱۴	۱۴. م. ۱۴	۱۵. م. ۱۴	۱۶. م. ۱۴	۱۷. م. ۱۴	۱۸. م. ۱۴	۱۹. م. ۱۴	۲۰. م. ۱۴	۲۱. م. ۱۴	۲۲. م. ۱۴	۲۳. م. ۱۴	۲۴. م. ۱۴
۱. احیاء دین به معنای عام، جریانی است که در طول و عرض تاریخ دین حضور داشته است و همواره بزرگانی کوشیده‌اند تا به تهدی و پیرایش جوهره اصیل دینی، آن نوع از احیاگری است که علاوه بر اوصاف مزبور، در نزاع سنت و مدرنیسم هم وارد شده است و لذا نوگرایی دینی به	۱۰. م. ۱۵	۱۱. م. ۱۵	۱۲. م. ۱۵	۱۳. م. ۱۵	۱۴. م. ۱۵	۱۵. م. ۱۵	۱۶. م. ۱۵	۱۷. م. ۱۵	۱۸. م. ۱۵	۱۹. م. ۱۵	۲۰. م. ۱۵	۲۱. م. ۱۵	۲۲. م. ۱۵	۲۳. م. ۱۵	۲۴. م. ۱۵
۱. احیاء دین به معنای عام، جریانی است که در طول و عرض تاریخ دین حضور داشته است و همواره بزرگانی کوشیده‌اند تا به تهدی و پیرایش جوهره اصیل دینی، آن نوع از احیاگری است که علاوه بر اوصاف مزبور، در نزاع سنت و مدرنیسم هم وارد شده است و لذا نوگرایی دینی به	۱۰. م. ۱۶	۱۱. م. ۱۶	۱۲. م. ۱۶	۱۳. م. ۱۶	۱۴. م. ۱۶	۱۵. م. ۱۶	۱۶. م. ۱۶	۱۷. م. ۱۶	۱۸. م. ۱۶	۱۹. م. ۱۶	۲۰. م. ۱۶	۲۱. م. ۱۶	۲۲. م. ۱۶	۲۳. م. ۱۶	۲۴. م. ۱۶
۱. احیاء دین به معنای عام، جریانی است که در طول و عرض تاریخ دین حضور داشته است و همواره بزرگانی کوشیده‌اند تا به تهدی و پیرایش جوهره اصیل دینی، آن نوع از احیاگری است که علاوه بر اوصاف مزبور، در نزاع سنت و مدرنیسم هم وارد شده است و لذا نوگرایی دینی به	۱۰. م. ۱۷	۱۱. م. ۱۷	۱۲. م. ۱۷	۱۳. م. ۱۷	۱۴. م. ۱۷	۱۵. م. ۱۷	۱۶. م. ۱۷	۱۷. م. ۱۷	۱۸. م. ۱۷	۱۹. م. ۱۷	۲۰. م. ۱۷	۲۱. م. ۱۷	۲۲. م. ۱۷	۲۳. م. ۱۷	۲۴. م. ۱۷
۱. احیاء دین به معنای عام، جریانی است که در طول و عرض تاریخ دین حضور داشته است و همواره بزرگانی کوشیده‌اند تا به تهدی و پیرایش جوهره اصیل دینی، آن نوع از احیاگری است که علاوه بر اوصاف مزبور، در نزاع سنت و مدرنیسم هم وارد شده است و لذا نوگرایی دینی به	۱۰. م. ۱۸	۱۱. م. ۱۸	۱۲. م. ۱۸	۱۳. م. ۱۸	۱۴. م. ۱۸	۱۵. م. ۱۸	۱۶. م. ۱۸	۱۷. م. ۱۸	۱۸. م. ۱۸	۱۹. م. ۱۸	۲۰. م. ۱۸	۲۱. م. ۱۸	۲۲. م. ۱۸	۲۳. م. ۱۸	۲۴. م. ۱۸
۱. احیاء دین به معنای عام، جریانی است که در طول و عرض تاریخ دین حضور داشته است و همواره بزرگانی کوشیده‌اند تا به تهدی و پیرایش جوهره اصیل دینی، آن نوع از احیاگری است که علاوه بر اوصاف مزبور، در نزاع سنت و مدرنیسم هم وارد شده است و لذا نوگرایی دینی به	۱۰. م. ۱۹	۱۱. م. ۱۹	۱۲. م. ۱۹	۱۳. م. ۱۹	۱۴. م. ۱۹	۱۵. م. ۱۹	۱۶. م. ۱۹	۱۷. م. ۱۹	۱۸. م. ۱۹	۱۹. م. ۱۹	۲۰. م. ۱۹	۲۱. م. ۱۹	۲۲. م. ۱۹	۲۳. م. ۱۹	۲۴. م. ۱۹
۱. احیاء دین به معنای عام، جریانی است که در طول و عرض تاریخ دین حضور داشته است و همواره بزرگانی کوشیده‌اند تا به تهدی و پیرایش جوهره اصیل دینی، آن نوع از احیاگری است که علاوه بر اوصاف مزبور، در نزاع سنت و مدرنیسم هم وارد شده است و لذا نوگرایی دینی به	۱۰. م. ۲۰	۱۱. م. ۲۰	۱۲. م. ۲۰	۱۳. م. ۲۰	۱۴. م. ۲۰	۱۵. م. ۲۰	۱۶. م. ۲۰	۱۷. م. ۲۰	۱۸. م. ۲۰	۱۹. م. ۲۰	۲۰. م. ۲۰	۲۱. م. ۲۰	۲۲. م. ۲۰	۲۳. م. ۲۰	۲۴. م. ۲۰

دکتر علی شریعتی ؟ معلم عرفان ، برابری ، آزادی



ب آنک اعتراض می کند که چرا در انشجويان دست می زند و صلوات نمی فرستند، می گوییم: صلوات هنفرستان جوانان گناه توست، چرا که خود میدانی صلوات را به چه صورتی در آورده ای و برایش چه مصرف هایی درست کرده ای. یکی اینکه تاشخصیت کند های وارد مجلس شده است صلوات هنفرستان را در حوزه ای مصرف دیگر شن حرکت تابوت و حثازه است در میان زندگان، ومصارف دیگر، هوکردن یک سخنران پایین کشیدن یک متبری و مسخر کردن کسی. اینهاست مصارفی که توبه ای صلوات ساخته ای. تو هرگز به «دست بوسیدن»، «اعتراض نکرده ای، حالابه «دست زدن»، «اعتراض می کنی ؟